

فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران

هدار، کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به همه نیروهای انقلابی در همین شماره چاپ شده است. چنانکه در این همدار گفته شده، توطئه خطرناک جدیدی در داخل و خارج کشور در شرف تکوین است.

عمال چنانکار امپریالیسم و صهیونیسم قصد دارند اینبار غرب و جنوب کشور را به اشغال درآورند و از آن پایگاه به انقلاب ایران هجوم برند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران همزمان با دعوت همه نیروهای انقلابی به اتحاد عمل در جبهه متحد خلق بنوبه خویش تمام نیروهای خود را در اختیار رهبری انقلاب می گذارد.

نیز چارچوب این سیاست اصولی، از همه اعضا و هواداران حزب دعوت میکنیم در هر جا که هستند به سازمانهای بسیج مراجعه کرده و برای دفاع از انقلاب آماده شوند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۵ تیر ۱۳۵۹

نام: **مردم**

از گان مرکزی حزب توده ایران

۵۰۰ هزارهفتم، سال دوم، شماره ۲۸۵
پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۳۵۹ - شماره ۲۰ ریال

کمیته مرکزی حزب توده ایران:

ما هشدار

میدهم!

- توطئه خطرناک جدیدی از داخل و خارج در شرف تکوین است.
- خوزستان و مناطق ساحلی خلیج فارس در خطر اشغال از راه هوا، زمین و دریاست.
- بخاطر نجات انقلاب باید به هرگونه رویارویی داخلی و چند دستگی پایان دهیم.
- باید هرچه زودتر همه نیروهای ضداپریالیستی و مردمی را بدور دولت انقلابی باینامه ای انقلابی گرد آورد.
- باید همه عناصر ضدانقلاب را بی تزلزل قلع و قمع کرد.
- حزب توده ایران تمام نیروهای خود را در اختیار رهبری انقلاب میگذارد.

هم دادمان تا انقلاب ایران را به شکست بکشاند. ادامه هرگونه تشنج، هرگونه چنددستگی و هرگونه رویارویی داخلی، میدان دادن و دامن زدن به هرگونه تفرقه افکنی، هرگونه انحصار طلبی آب به آسیاب دشمنان انقلاب ایران میریزد. حزب توده ایران از همه نیروهایی که انقلاب شکوهمند خلقی ما را صادقانه گرامی میدانند میخواند که به هرگونه رویارویی داخلی خاتمه دهند و به هرگونه خودسری و لجام گسیختگی گروههای بی مسئولیت در این جهت پایان بخشند و با تشکیل جبهه ای متحد، در جهت بسیج همه نیروها، علیه این توطئه شوم و خطرناک اقدام نمایند.

حزب توده ایران امیدوار است که مانند همیشه در لحظات حساس رهبر انقلاب ایران امام خمینی، کلام پرنفوذ خود را برای پایان بخشیدن به دعوی قدرت در مقامات حاکم ایران بکار اندازند تا هرچه زودتر دولت انقلابی با برنامه ای انقلابی در جهت گردآوری همه نیروهای ضداپریالیستی و مردمی تشکیل گردد و کشور از این بلا تکلیفی و ملوک الطوائفی در سطح اداره کشور نجات یابد.

عزم انقلابی ایران انتظار دارند که با سرعت و قاطعیت محاکمه انقلابی شرکت کنندگان در توطئه طیس و توطئه اخیر آغاز و خاتمه یابد و امر کشف بقایای شبکه توطئه بایگیری و بدون اغماض و دودوار هرگونه اعمال نفوذ ادامه یابد.

مردم خواستارند که دادگاه انقلاب همه آن کسانی که خائنین شرکت کننده در این توطئه را پس از یکبار اخراج از ارتش دوباره ارتش باز گردانده اند مورد پیگرد قرار دهند و از میان آنان عناصر وابسته به توطئه را که هنوز با ماسکهای انقلابی و اسلامی به انقلاب خیانت میکنند شناسائی کرده و به مجازات برسانند.

بدون قلع و قمع بی تزلزل عناصر ضدانقلاب پیروزی بر آن غیرممکن است.

حزب توده ایران یکبار دیگر، همزمان با دعوت به وحدت همه نیروها، همانطور که در تمام دوران انقلاب عمل کرده است تمام نیروی خود را در اختیار رهبری انقلاب می گذارد و از هیچ کوششی برای ناکام ساختن تلاشهای دشمنان انقلاب فروگذار نخواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۵ تیر ۵۹

دومین توطئه دامنه دار و بسیار خطرناک امپریالیسم و صهیونیسم و ضد انقلاب ایران و منطقه با شکست رویرو گردید. گردانندگان و مجریان توطئه در ایران بخشی دستگیر و بخشی مخفی و فراری گشته اند. ولی همانطور که حزب توده ایران پس از عقیم ماندن توطئه کودتائی در اردیبهشت ماه در ارتباط با تجاوز نظامی آمریکا در طیس ارزیابی کرد، نیروی اساسی ضد انقلاب در درون ایران دست نخورده باقی مانده است. این نیرو می تواند در پیوند با نیروی ضد انقلاب که در خارج ایران، در عراق و مصر و عربستان سعودی تمرکز یافته و آماده تجاوز است، هر لحظه بطور خطرناک وارد عمل شود. توطئه ضد انقلاب شکست خورده ولی بهیچوجه ریشه کن نشده است. امپریالیسم آمریکا و دستیارانش در اروپا، شرق دور و در منطقه با هر ناگامی هارتر و متجاوزتر میشوند و مانند سال ۱۳۳۲ پس از شکست هر توطئه بلافاصله تدارک توطئه ای پر دامنه تر و خطرناک تر را می بینند.

خبرهای رسیده از مراکز فعالیت ضد انقلاب در اروپا و گروههای وابسته به ضدانقلاب در ایران تأیید کننده این واقعیت است که توطئه خطرناک جدیدی از داخل و خارج در شرف تکوین است.

در این توطئه پیش بینی شده است که با همکاری نیروهای ارتجاعی در جنوب و غرب ایران نیروهای ضربتی از افسران طاغوتی و ساواکیهای فراری و دسته های مزدور که در عراق و مصر و عربستان سعودی آماده شده اند از راه هوا و زمین و دریا خوزستان و مناطق ساحلی خلیج فارس را به اشغال درآورند و بایوندادن این منطقه با مناطقی که اکنون در کردستان در اشغال گروههای ضد انقلابی است پایگاه وسیعی برای نقشه های تجاوز کارانه بعدی بوجود آورند. در جریان تدارک کودتای شوم ۲۸ مرداد هم یک چنین نقشه احتمالی مطرح بود، چیزی که عینا در کتاب منتشره از طرف ارتش آریاهری بنام «رستاخیز ملی» مشروحا بیان گردیده است. انجام این نقشه احتمالی توأم خواهد بود با اقدامات شرارت آمیز و خرابکاری پر دامنه از طرف گروههای مسلح سازمان یافته ساواکیها و افسران بازنشسته و سایر سرسپردگان و وابستگان به امپریالیسم.

همه نیروهای امپریالیستی، همه تسلیم طلبان و سازشکاران، همه خرابکاران و مزدوران در ایران و خارج دست بدمت

حمله به دفاتر حزب توده ایران به سود ضدانقلاب است

از شهرستانهای کشور خبرهای زیاد و مکرری میرسد. دایر بر اینکه گروه های غیرمستول، که در میان آنان عناصر مشکوک و چنانداران حرفه ای نیز دیده میشوند به دفاتر و کنفرانسهای حزب توده ایران حمله میکنند. در رشت عناصر ناشناس پس از چند بار تهدید تلفنی دیروز صبح از یکجای در دفتر سازمان ایالتی گرگان ترکانند، در گرمسار دفتر حزب را غارت کرده و پولهای صندوق کمک به حزب را هم با خود بردند، در کرمانشاه پس از چند شب حملات متوالی به دفتر حزب کتابها و کاغذها را سوزانند...

جدی تر از همه حادثه ای است که در اسفهان رخ داده است. گروهی که خود را جوانان مسلمان بیرو خط امام، میانند، از پشت بام خانه حسابه وارد دفتر حزب توده ایران شده و آنرا اشغال کرده و تنی چند از رفقای حزب توده ایران را مدتی «دکوبرکن» گرفته اند. روزنامه محلی «حرکت» این عمل را خلاف قانون اساسی دانسته و آنرا محکوم کرده است. حزب جمهوری اسلامی اسفهان نیز این اقدام را محکوم دانسته و سختکوی حزب به خبرنگار «حرکت» گفته است:

«بر اساس اعتقاد کامل به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران معتقدیم آزادیهای تصریح شده در قانون اساسی باید بطور کامل تأمین شود و اگر گروه یا افرادی خارج از آزادیهای قانونی عملی یا توطئه ای انجام داده باشند مسئولین وقت مملکت باید رسیدگی کنند. لزوم حفظ امنیت اجتماعی را در زمان خاص کنونی با توجه به فرآیند رهبر انقلاب شدیداً لازم میدانیم»

بقیه در صفحه ۱۱

اعلامیه کانون دانش آموزان ایران باهشیاری انقلابی توطئه های امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب را کشف و ضد انقلاب را خنثی کنیم!

کانون دانش آموزان ایران شکست توطئه کودتای امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب را به همه مردم مبارز ایران، امام خمینی رهبر انقلاب، پاسداران و کمیته های جان بر کف و سازمان های سیاسی که در کشف این کودتا نقش مؤثر داشتند، جوانان و نوجوانان تبریک می گویند.

دانش آموزان و نوجوانان انقلابی! در طول یا نازده ماه گذشته بقیه در صفحه ۲

نظر در باره پاکستان

قطب زاده - وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران: «اعتقاد ندارم پاکستان کاملاً وابسته به آمریکا است» (۵۹/۲/۴ - کیهان)

نهضت انقلاب اسلامی پاکستان: سفارت پاکستان در تهران وظایف لانه جاسوسی امریکارا انجام میدهد

نهضت انقلاب اسلامی پاکستان، طی اطلاعیه ای هشدار داده است که در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امامیت های این جاسوسخانه به سفارت پاکستان در کشور جمهوری اسلامی ن واگذار گردیده است و هم اکنون از طریق همین سفارتخانه عوامل «سیاه» لرم تدارک توطئه های خائنه، و شایعه سازی علیه نهضت های اصیل و انقلابی مانان در منطقه میباشد. «نهضت انقلاب اسلامی پاکستان» در اطلاعیه خود نشان کرده است: امپریالیسم جهانخواه آمریکا که برای حفظ منافع خود سالیان دراز بر خاورمیانه و کشورهای منطقه خلیج فارس حکمرانی نموده، امروزه باز دست دادن ایران بعنوان حامی امپریالیسم و شکست طاغوت - شاه خائن - به وحشت افتاده و منافع حیاتی خود را بویژه با گسترش نفوذین در خطر می بیند و به همین جهت برای پر کردن خلاء ایران و سرکوب آنان میخواهد، ضیاء الحق را جانشین «شاه» سازد و آقا شاهی را بجای شیرزاهدی، مامور فعالیت های تبلیغی و مخربانه خود در منطقه نماید.

ارتش انقلابی، آری! - ارتش توطئه گر، نه!

در صفحات بعد

از نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران:

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا ماشین عظیم و جهنمی خود را علیه انقلاب ایران به راه انداخته است

در پاسخ به پیشنهاد های فراوانی که به دبیرخانه حزب رسیده است نامه «مردم» هر هفته روز پنجشنبه یکی از مقالات تحلیلی منتشره ماهنامه «دنیاء» نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران را به چاپ خواهد رسانید.

امروز سرمقاله شماره ۵۹/۲ را که در پست و واقیات دوماهی که از انتشار مقاله گذشته و بویژه کودتای شوم و دردمشکته شده همدان و تدارک حمله وسیع و خطرناک تازه، فعلیت فراوان یافته و درستی تحلیل های حزب ما را نشان میدهد چاپ میکنیم و توجه خوانندگان را به شیوه های گوناگون عمل امپریالیسم آمریکا جلب مینمائیم. صفحات ۷۵۶

کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی امپریالیسم

دره ایی از تاریخ - صفحه ۳

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در نقده در باره تشدید فعالیت ضدانقلاب

گروهک ضدانقلابی - مائوئیستی رنجبران مدافع جاسوسان سیا و عوامل کودتا

مرکز جاسوسی اسرائیل در تهران کشف شد

بررسی اسناد لانه جاسوسی امریکا

دولت باید برای تهیه مواد اولیه شتاب کند

باشهری آشنا بنام قصر شیرین آشنا شویم

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی امپریالیسم

در سهائی از تاریخ ۵

توجه کلیه مبارزان ضدامپریالیست، بویژه مسلمانان صدیق ضد امپریالیست را به این سلسله مقالات جلب میکنیم

تصاویر پانتهون که سرمایه‌داری جهانی، یعنی نظام فاسد جهانی‌تار که بر جهان حاکم بود، کمونیست‌ها را به عنوان پیکرترین دشمنان خود آماج تبلیغات و تفسیفات دیوانه‌وار و خصمانه قرار دهد، آنها را بی‌ایمان کند، به‌دوای بی‌ایمانی، بکنه سازه، هرگز واکه در مبارزه با نظام جابرانه وی، پیگیری، مردانگی و استقامت بخیزد، «کمونیست» بخواند و همزمان «کمونیسم» را بعنوان «شرترین» و «ضد انسانی‌ترین» و «کنیف‌ترین» موجود، تصور کند و بکوشد نامردم را نسبت به «کمونیسم» یا هر آنچه با نظام حاکم فاسد موجود مخالفت می‌ورزد، پدید سازد.

این دلیل واقعی کینه دیوانه‌وار جهان‌سرمایه نسبت به کمونیسم است. تاریخ مبارزات یکصد و پنجاه سال اخیر نشان داده است که چنانچه کارگران و چنانچه دینداران و خصوصیت خود از کمونیست‌ها، بظلمت نرفته‌اند. کمونیست‌ها طی این دوران طرفداران و پیروان بسیار و استواری خود را در مبارزه با نظام سرمایه به ثبوت رسانده‌اند، از هیچ‌گونه جانبداری و فداکاری برای تحقق آرمانهای انسانی درین نگرده‌اندو میلیون‌ها آری میلیون‌ها شهید در این مبارزه سترک، به‌راه سعادت و نیکی‌بخشی خلقهای جهان، اهدا کرده‌اند.

اما همانگونه که قبلاً نیز ذکر شد، امپریالیسم، اروپایان سرمایه و نظام غارتگر سرمایه‌داری، در مبارزه با حفظ تسلط امریسی خویش بر خلقها، تنها با کمونیست‌ها و بوبرو نپسوده و بیستند. در طی تاریخ جوامع طبقاتی، یعنی پیش از آنکه نظام سرمایه‌داری و جهان بینی سرمایه‌داری، پدید آید، بودند بسی انسانها که با آرمانهای عدالت خواهانه و انسان‌دوستانه، بانلی سرشار از عشق به انسانیت، برای برابری و عدالت، به‌مرسه سیر، باجباران خونخوار گام نهادند و مصفاخت‌ده‌خشانسی از ارادگی و جانبداری بخاطر آرمانهای انسانی در تاریخ سربزنی نهادند. آنها «بهشت» غارتگران و چنانچه کارگران را متلازم ساختند، اسپارتاکیست‌ها، کاهوها، مزدک‌ها در تاریخ فراوانند. در دوران پس از پیدایش سرمایه‌داری و مارکسیسم نیز بودند باستان که با ایده‌های والای انسانی، به‌مبارزه با نظام غیز عادلانه‌تسرمایه برخاستند و «جهان آزاده» را لرزاندند.

امام خمینی، رهبر بزرگ انقلاب ایران از برجسته‌ترین این نمونه‌هاست. مبارزات قاطعانه و پیگیر او، آنچنان شریعتی بر استیلای امپریالیسم وارد آورده که از جمله شخصیت‌های نادری در تاریخ جامعه‌سرمایه‌داری است، که بخش و کین‌دیوانه‌وار و احترام برانگیز دینداری سرمایه‌رای خود متوجه‌خاسته است. این حقایق و بررسی‌های تاریخی، به‌امام آموزده‌معدالت‌داری و عشق به سعادت و نیکی‌بخشی مردم رنجیده، نیروهای وسیعی را علیه نظام فاسد و استثمارگر سرمایه‌داری و نیروهای وسیعی که در این مبارزه حقیقیانه، و چو مشترک بسیار دارند و در معنی مابین آنها حفر نشده است. این واقعیت‌ها در اتحاد ضد امپریالیستی اردوگاه سوسیالیسم یا جنبش‌های آزادیبخش ملی در کشورهای «جهان سوم» در دوران ما، تجلی آشکار می‌یابد، اتحاد دو نیروی که به‌راه جنبش کارگری در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، رسالت سترگ‌بناک سپاری قلمی نظام چوروست سرمایه را برهمه دارند.

پیروزی بلشویسم، تحولی کیفی در مبارزات طبقاتی جهانی

پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و سرنگونی رژیم منقر تزاری که با هزاران پیروند پادشاهی سرمایه متصل بوده تحولی کیفی در مبارزات ضد سرمایه‌داری، ضد امپریالیست و آزادیخواهانه جهان پدید آورد. دنیای سرمایه‌ار این شریعت‌مسلک، شدت تکان خورد و ملی خلی زود گوشتد تا این دشمن قدرتمند، مدافع زحمتکاران و خشم غارتگران و استثمارگران و آدرندگشده در صورت امکان آنرا نابود کند، ایده‌های والای انسانی آنرا لوث نماید و از سرایت آتش مقدس مبارزه به خلقهای دوزخند و تحت سلطه، چلرگیرد.

گذشته از تمهیدات گسترده اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم علیه اتحاد شوروی، که مورد بحث مقاله مانیت، این نظام پوسیده و فاسد جهانی، بگونه‌ای دیوانه‌وار، تبلیغات گسترده‌ای را علیه سوسیالیسم و مبارزان راه سوسیالیسم، سازمان داد و کوشید تا ایده‌های از بدبینی و نفرت نسبت به سوسیالیسم در مقابل اندیشه توده‌های زحمتکش بجان آمده‌از ستم انحصارات در کشورهای تحت سلطه و نیز در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بگذرد.

تا روزی که این پرده تبلیغاتی را کذب‌انرا و واوگرنه‌سازی حقایق در مورد سوسیالیسم و اتحاد شوروی و نیز مبارزان کمونیست در این کشورها شکل میداد و میدهد، امپریالیسم از این کارزار تبلیغاتی و ایدئولوژیک، مقاصد معینی را تعقیب میکند که در نهایت حفظ سلطه امریسی خویش بر خلقهای این کشور ها و دودم شکستن مقاومت اجتناب‌ناپذیر آنها در مقابل ظلم و ستم بیحد و مرز و فرات و جنایت دیوانه‌وار «جهان آزاده» در این کشورها است.

اشکال تبلیغاتی امپریالیسم از پس پیروزی بلشویسم در اتحاد شوروی، ایمان تازه و شگرفی یافت و تکمیل گردید. پیدایش سوسیالیسم واقعی و موجود که قدرت دولتی را نیز در یک ششم مساحت زمین در اختیاردارد، پیدایش دوران جدیدی که محنتی آن گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است، تبدیل سوسیالیسم به یک سیستم جهانی با قدرتی فزاینده امپریالیسم را واداشت تا اشکال‌های بسیار و شرایط جدیدی را بسازد و بر شدت تبلیغات خود بیفزاید. این تبلیغات و مضامین علیرغم گسترش و حدت خود، بگونه‌تفریبی در طول ۶۳ سال اخیر یکسان مانده‌است. این امر طبیعی است زیرا که محنتی دوران کنونی بلاغی‌رمانده‌است.

بهمین دلیل شکفتن و آشکار شدن آن اگر همان مضامین که اکنون از زبان بروینسکی، نماینده انحصارات امپریالیستی، بکوش میرسد، عیناً با همان مضامینی که به‌نظام پیروزی بلشویسم از زبان «سلاطین» غارتگر سرمایه، بکوش میرسد، یکسان باشد و همان تلاقیها و شکرده‌امینا بکار رود، این مشابهت شکرده‌های تبلیغاتی امپریالیسم برای انحراف افکار خلقهای مبارز از طوطه‌های وی و تلاش برای حفظ سلطه خویش بر حیات خلقها، این امکان را پدید می‌آورد که با شناخت صحیح این شکردها و چگونگی عملکرد آنها و شناساندن آنها به نیروهای صادق و راستین ضد امپریالیست، بکوشیم تا از تکرار اشتباهات عظیم تاریخی و آزمونهای تلخ گذشته، مناصت کنیم و انقلاب را علیرغم دامهای فریب‌فزون انحصار امپریالیسم رایج در جهان به پیش برانیم، تحکیم کنیم و به پیروزیهای بزرگتر و عظیمتر نائل گردانیم.

مابکوشیم این مضامین تکرار شوند، این شکرده‌های تبلیغاتی و این کارزار ایدئولوژیک امپریالیسم رایج در جهان مبارزات انقلابی جهانی وجه در تجربه جنبش‌های منی، آزادیخواهانه و استقلال طلبانه در کشور خویش بررسی کنیم و برای مبارزات انقلابی کنونی در کشور خویش از متن این تجارب تلخ و خون آلوده رهنمودهای مشخص، استخراج نمایم. (ادامه دارد)



این پوستر تبلیغاتی امپریالیست‌های آلمانی در پایان جنگ اول جهانی است. در آن هنگام پوسترنگان امپریالیست، برای پاره کردن سرزمینها و تجدید تقسیم آنها، مردم را باینچین بکنگر انداختند و در این میسان انقلابیون روسیه را به‌بهری بلشویکها، و تارسیم گسه توده‌های مردم را برای ارضای طامع امپریالیست‌ها به جنگ کشانده بود. سرنگون کردن حکومت زحمتکاران را بر داشتند و عظیم‌ترین تحول تاریخ بشری را پدید آوردند. این امر امپریالیست‌ها را به‌خوشحترگ‌انداخت و وسیله خشم و نفرت و دروغ و فریب آنها را بسوی بلشویکها جادی نمود. درندگان امپریالیست که برای کسب سودهای بیشتر توده‌های مردم رایبه جنگ فارتراشه و بیگاری و گرسنگی سوق دادند، بلشویکها را مقصر و نامرد کردند و خود را فرشته آزادی و سعادت نمایندند.

تصویر فوق ماهیت تمامی تاریخ یکصد و پنجاه ساله اخیر تبلیغات اروپایان چنانچه سرمایه علیه زحمتکاران و کمونیست‌ها و بیش از شصت سال تبلیغات علیه سوسیالیسم را بوضوح بیان می‌کند. همه‌چیز که کاران تاریخ از هیتر و موسولینی گرفته تا فاشیسم و سرش، کمونیسم را در هیئت و حشمتک و غیر انسانی که در واقع هیبت خود آنها بود، تصویر کرده و کوشیده‌اند تا اذهان توده‌های مردم را نسبت به دشمنان واقعی چوروست هم نفر و جنگ و تیره ساخته و فریب دهند.

اما تاریخ بکرم تجارب سخته حکم خود داده است: این اروپایان سرمایه و امپریالیست‌ها بودند که همواره فقر و بیگاری و بیگاری همواره آورده‌اند و این کمونیست‌ها بوده‌اند که از عدالت آزادی، برابری و صلح مدافعه کرده‌اند.

در بالای پوستر تبلیغاتی امپریالیستی نوشته شده است: «بلشویسم، جنگ، بیگاری و گرسنگی با خود می‌آورد» و در پایین نوشته‌اند: «برای سرنگونی بلشویسم متحد شویم». آن موجود ژولیده دهشتناک که گارد لژی به یکصدت و بیسی بدست دیگر دارد، یک «کمونیست» است و آن «فرشته آزادی» که توده‌های مردم را در پناه گرفته و نظام سرمایه‌داری و امپریالیسم را شکست رانده و می‌خواهند و می‌خواهند و از گزونه چلو دهند.

می‌کنند و تنها آنها نبودند که جامعه طبقاتی را عادلانه میدانند. هستند بسیار نیروهای دیگر که کمونیست نیستند، اما برای دستیابی به استقلال، تامين عدالت اجتماعی و مقابله با ظلم سرمایه‌داری، مبارزه می‌کنند. آنها در عمل، در مبارزه با اروپایان غدار و جنایت پیشه سرمایه، در کنار کمونیست‌ها قرار دارند: مذهبون مترقی که «مذهب» طبقات جنایت پیشه‌زواران صلحت حاکم را مرود میدانستند و میدانند که نیروهای ملی و میهن پرست که تسلط غارتگرانه انحصارات و استثمارگران بین‌المللی را بر میهن خود نمی‌پسندیدند و نمی‌پسندند و بالاخره آزادیخواهانی که حقیقتاً ناشی از استیلا طبقات سرمایه‌دار حاکم را محکوم می‌کنند، همه اینها با کمونیست‌ها و چوروست مشترک بسیار داشته و دارند و بهمین دلیل می‌توانستند و می‌توانند و در مبارزات مشترک و تشریک سامی کنند، امری که بهیچوجه برای ادامه سیردها و چنانچه خواران و دست نشاندهان داخلی آنها خوشایند، نبود و نیست.

اما در این میان، کمونیست‌ها قاطعتر، پیگیرتر و بنیادین‌تر خواست سرنگونی نظام سرمایه‌داری و منحل‌ساختن و بکنه‌توانی مشخص و روشن، برنامه عمل ارائه میدادند، برنامه‌ای که سنگ بر سنگ حاکمیت سرمایه باقی نیکداری و برانقلابی‌ترین و پیگیرترین طبقه، یعنی طبقه کارگر صنعتی، کادداشت. کمونیست‌ها در این ارائه این برنامه استراتژی‌های، از هرکام مثبت در جهت ترقی اجتماعی، بهبود زندگی مردم، کاهش خفتان و ... استقبال میکردند و با برخورداری شکرگ از انصاف ملی و نظری، با نیروهای دیگر که در این جهت مبارزه میکردند، وجه مشترک می‌یافتند و همواره می‌کوشیدند وسیع‌ترین نیروها را علیه نظام حاکم و چهرات ضد مردمی سیاست‌های آن، بسیج کنند. همه این

تصمیم‌ها و حیات انسانی خویش را همچنان حفظ نماید. انقلاب بزرگ کشورهای اروپای غربی و آسیای شرقی، با رهبری از این بزرگترین دودها و دشمن‌ترین افتراات و بروس‌ت، تجربه جنبش‌های انقلابی معاصر نشان داده است که امپریالیست‌ها به کارانی «دروغ» بزرگ، امید بسیار بسته‌اند و در واقع نیز از آن کم بهره نکرده‌اند. این نتایج را در این بالاقتاب فریب‌ورده، گسترش شایع ناشی از نظام پوسیده و ضد انسانی سرمایه‌داری و هر روز بیشتر در این بالاقتاب غن فریب‌ورده، ویژگی مبارزات طبقاتی کنونی جهانی، آنستکه در این مبارزه، کارزار ایدئولوژیک هرآن از اهمیت و وزن بیشتری نسبت به دو شکل دیگر یعنی شکل اقتصادی و سیاسی، برخوردار شد. گسترش مقاومت توده‌های به همیان نشسته در قبال فحایع سرمایه‌داری و گسترش شبکه تبلیغاتی تا دورترین زوایای دور افتاده‌ترین مناطق، این شکل مبارزه را اهمیت و وزن بیشتری داده است و امپریالیسم می‌کوشد تا با بنده کسب اذهان توده‌ها، از نیروی مقاومت آنها بکاهد، و اتحاد نیرو های انقلابی را

بیاخته‌است، طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری و نیز علیه سوسیالیسم راستی علیه کلیه نیروهای انقلابی جهان امروز، تشکیل میدهد و این «مبارزه» همزمان با گسترش جنبش‌های انقلابی، شکفتن روزافزون سوسیالیسم موجود و پیروزیهای بی‌دری آن، همزمان با گسترش فحایع ناشی از نظام پوسیده و ضد انسانی سرمایه‌داری و هر روز بیشتر در این بالاقتاب غن فریب‌ورده، ویژگی مبارزات طبقاتی کنونی جهانی، آنستکه در این مبارزه، کارزار ایدئولوژیک هرآن از اهمیت و وزن بیشتری نسبت به دو شکل دیگر یعنی شکل اقتصادی و سیاسی، برخوردار شد. گسترش مقاومت توده‌های به همیان نشسته در قبال فحایع سرمایه‌داری و گسترش شبکه تبلیغاتی تا دورترین زوایای دور افتاده‌ترین مناطق، این شکل مبارزه را اهمیت و وزن بیشتری داده است و امپریالیسم می‌کوشد تا با بنده کسب اذهان توده‌ها، از نیروی مقاومت آنها بکاهد، و اتحاد نیرو های انقلابی را

مردم، دریخته است. بهیچوجه نیست که تبلیغات مغرب و اکاذیب شکفتن آور امپریالیسم، همچون مضامین مذکور که از رسانه‌های امپریالیستی، نشر می‌یابند، و اینکه دامه و برسد می‌کنند و بهیچوجه نیست که امپریالیسم، علیرغم فعالیت گسترده و بی‌امان برای نابود کردن دستاوردهای انقلاب ایران، و چنین با جدیت در پیش و نشر هرچه گسترده‌تر آنها، می‌کوشد. عملکرد این جنبه از فعالیت‌های امپریالیسم چنین است: مضامین فوق توسط خیرگزاری‌های امپریالیستی تکرار و منتشر میشوند، عوامل مزدوران امپریالیسم و روشنفکران پیرو مشی امپریالیسم پادشاهی عین تسلط فرهنگی امپریالیسم، آنها را چون طعمی لذیذ می‌رسانند و آنها را به‌بوسمت پیش میکنند. توده‌های ناتکا، و نیروهای مشول، صادق و ملی‌گرا که اذهان آنها، دهها سال در هوای سموم این تبلیغات تنفس کرده‌است، هنوز از بدبینی‌ها و پیشداوری‌ها، بی‌نشدند، و به‌زهر سردرگمی و تشتت ناشی از آنها آفته میشوند و بانسیجه فعالیت‌های امپریالیسم و اعمال آن برای براندازی دستاوردهای انقلاب، دربرده می‌مانند و بایرجهت نشیورده اذهان جانبد دشمنان موهومی که در واقع دوستان خجرتی هستند، منحرف میشوند و دشمن از سستی و غفلت ناشی از احتراف توجه توده‌های مردم و مشولان و بانسیجه عدم آمادگی کامل آنها برای مقابله بسا دشمن اصلی و واقعی بهره می‌گیرد و میکوشد تا ضریب کاری را وارد آورد.

این روشی از آزمون گذشته است و امپریالیسم و اروپایان سرمایه در این امر، تجربه دیرینه‌ای دارند.

«خطر کمونیسم»، سابقه تاریخی

زمانیکه مارکس و انگلس در سال ۱۸۴۸ مانیفست حزب کمونیست را انتشار دادند، مدتی بود که اروپایان سرمایه بسا احساس خطر جدی از جنبه طبقه کارگر و بروس‌ده‌جهانی و نیز ایدئولوژی علمی، با استفاده از امرهای قدرت سرمایه علیه سراسر جهان وارد اختیار خود داشت، تبلیغات وسیعی را علیه کمونیسم آغاز کرده بودند. آنها کمونیسم را با اکاذیب عجیبی که در مورد آن ساخته بودند، و مردم جهان معرفی میکردند و در واقع آنچه را که آنها بعنوان کمونیسم به جهان‌نمایند، چیزی جز هیولانی درنده، صاحب تمام خصایل زشت و غیر انسانی (که در واقع خصائل فرهنگ سرمایه بود)، نبود. مارکس و انگلس بران شدند تا کمونیسم واقعی را در مقابل «سبب کمونیسم» که اروپایان سرمایه از آن ساخته بودند، قرار دهند و نظریات واقعی کمونیسم را بر مردم معرفی کنند.

«کمونیسم» که چنانچه کارگران و غارتگران و استثمارگران جهان سرمایه، به مردم معرفی میکردند، هیولانی بود با چهره‌ای بدست دهشتناک، موهما و لیسایی ژنده و ژولیده که کاردی برای دویان اقدام مردم به‌فداند دارد، خنابش برای بسار آویخته آنها بدست گرفته، و کسب دارد تا زنان را استراتژی‌کند، آزادی را از میان بردارد و کرمس و وحشت بر جهان حاکم کند. آنها در واقع چهره کره خود را بجای «کمونیسم» به مردم معرفی میکردند و در اثره از فعالیت مغرب گروهانی که تحت لرای مبارزه با «سرمایه داری»، به این مبارزه زبان می‌زدند. چون آثار کسب‌تسا، مانویست‌ها و تروتسکیست‌ها، ... نیز برای کربن‌نشان دادن این چهره، بحد کافی بهره می‌بردند.

اما کمونیسم واقعی، درست نظره مقابل این تصویر بود، کمونیسم واقعی دشمن بی‌عدالتی، استثمار و وحشیانه و ستم و خفتان سرمایه بود. کمونیسم مارکس و انگلس و ولین، در مقابل مردم دودمانی جامعه‌ای عاری از فحایع سرمایه می‌گسترده و جامعه‌ای بدون بیگاری، گرسنگی، فقر، فحشا و بیماری، جامعه‌ای که در آن برای اولین بار در تاریخ جوامع طبقاتی، زن و مرد برابر باشند، جامعه‌ای که به‌دوقطب‌استثمارگر و استثمارشده، تقسیم نشده باشد و زوال‌های سرمایه‌دار بر توده زحمتکش و بی‌خانمان مردم، حاکم نباشند - انسان، انسان باشد و بتواند از حقوق برابر با دیگر انسانها برخوردار باشد. مارکس و انگلس ولین، مردم را به مبارزه برای دستیابی به چنین جامعه‌ای دعوت میکردند و بهمین دلیل اروپایان سرمایه‌دار و این چنین بوحت‌انداختند. اما تنها کمونیست‌ها نبودند و نیستند که برای دستیابی به عدالت اجتماعی، از میان بردن فقر و بیماری، گرسنگی و فحشا و خفتان یعنی بیلای جوامع سرمایه‌داری مبارزه میکردند و

«خطر از جانب شوروی است» و «سوسیالیسم بهتر از سرمایه‌داری است» «امریکا و شوروی علیه انقلاب ایران سازش کرده‌اند» «ایران پسوی کمونیسم می‌رود» «خطر از جانب کمونیست‌ها است» «امام خمینی کمونیست است» «دانشجویان مسلمان بیرو خط‌امام کمونیست‌اند» «توده‌ها می‌آیند...!» اینها مضمون اصلی تبلیغات امپریالیستی است که با پیگیری و کوشش تام و تمام و بکنه‌های دیوانه‌وار از جانب کلیه دستگاه‌های خبری و تبلیغاتی امپریالیسم و نیز کلیه شکرگرایان، نمایندگان و پادوهای انحصارات امپریالیستی، ترویج و تبلیغ میگردد. این تبلیغات بویژه در هنگامه رشد و گسترش انقلاب ایران، شدت وحدت خاص یافتند و اکنون بویژه در پی تعمیق انقلاب ایران و بموازات رشد و گسترش فعالیت‌های توده‌گرا، متحد کلیه امپریالیست‌ها و عمال آنها برای سرنگون کردن جمهوری نوپای اسلامی ایران، بکنه‌های بی‌سابقه تشدید گردیده است.

این شیوه جدید نیست و قدمتی یکصد و پنجاه ساله دارد. در طول تاریخ دوران اخیر جنبش‌های آزادیخواهانه و استقلال طلبانه مردم رنجیده و تحت سلطه، هر زمان که خلقها بیاخته‌است و «خطر» منافع خود آورد و غاصبانه استثمارگران و امپریالیست‌ها را تهدید کرده است، همین مضامین و تبلیغات، چون رگبار می‌گردد. این تبلیغات یاریند گرفته است تا بدبینی‌ها، سوء تفاهات و پیشداوری‌های ریشه‌دار در ذهن توده‌ها و رهبران ملی و میهن پرست، تقویت شود، خلقها از متحدین و دوستان ضد امپریالیست خود، در عرصه جهان جدا گردند، منفرد شوند و سرانجام در صورت تحقق این هدف شوم و شیطانی، باستان توطئه‌گر دشمنان واقعی خود یعنی لاشخوران دنیای سرمایه، بخون بظلمت و دیگر یار سیرده شوم امپریالیسم را بردوش خود محمل شوند.

امپریالیست‌ها در طول دهها سال تسلط بلاستار خود بر سرزمین‌ها و خلقها، کوشیده‌اند همه چیز را به‌سپاسی مورد نظر خویش سامان دهند، خلقها را فراتر و به‌وحشیانه‌ترین شکل استثمار کرده‌اند، تروهای طبیعی آنها را به پنیفا برده‌اند و بموازات آن برای مقابله با مقاومت اجتناب‌ناپذیر توده‌های زحمتکش، در ارض و دستک‌های سرکوب ساخته‌اند و از جمله تلاش و وزیده‌اند تا اندیشه آنها را بهینه کنند و سموم سازند، امپریالیست‌ها با ترویج پیگیر فرهنگ امپریالیستی، خلقهای دوزخند و تحت سلطه را ذره ذره به‌سموم دروغ، تزویر و تبلیغات مغرب خود، به‌سموم ساخته‌اند، تلاش و وزیده‌اند تا روشنفکران این جوامع را با فرهنگ منحط خود که «جهان آزاده» را بهترین و جوامع معرفی می‌کند و آنرا ابیدی می‌نامد، پرورش دهند، اذهان روشنفکران مردم را با اکاذیب گسترده خویش نسبت به اردوگاه سوسیالیسم، چون هوا احاطه کنند، آنها را با بدبینی و پیشداوری نسبت به پیگیرترین دشمنان امپریالیسم، متحدین و دوستان واقعی مردم مبارز، زحمتکش و امپریالیست، بی‌ایند تا سرانجام در لحظات حساس بتوانند از نیروی مادی که بر اثر این سمومیت مضمون فکری حاصل میشود، بهره‌برداري کنند و از قاطمیت مبارزه توده‌های مردم و رهبران آنها علیه سیرده امپریالیستی، بکاهند.

در واقع امپریالیست‌ها، کشتار خود را دو می‌کنند، کشتاری از خلقهای هرز مودی که تم شیطانی آنرا طی‌سالمها سیرده و تسلط امریسی، در اذهان مردم و رهبران ملی کاشته‌اند. خلفسای هرز رفتند، سردگمی، سوءظن و بدبینی نسبت به نیروهای که با خلقهای محروم آرمان مشترک دارند، آرمان نابودی امپریالیسم. تسلط امپریالیسم بر کشورهای محروم، تنها به تسلط اقتصادی، نظامی و سیاسی خلاصه نشیورده و هزاران ریشه متن از خود به سراپای جامعه میدواند و تا این ریشه‌ها که برخی از آنها بدست ساخت جهان و در پناه هستند، بکل برکنده نشوند، فعالیت مغرب امپریالیسم برای بازگرداندن دوران استیلا گشته، همچنان ادامه خواهد یافت و ای بسا تلاشهای شوم او به موفقیت نیز بیانجامد. یکی از این ریشه‌های متن، تسلط فرهنگی است که شدیداً مقاوم و سرسخت است. امپریالیسم در طول دهها سال تسلط خود بر کشورهای هزارها روشنفکر پیرو خط خود، تربیت کرده و زهر سردرگمی و ناپسانمندی در افکار توده‌های عیناً ضد امپریالیست و دادخواه

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

کارگاه‌های آهنگری اصفهان برای رسیدن به خودکفایی صنعتی می‌کوشند



دسر اسرار کشور و از جمله در اصفهان هنوز کارگاه‌های آهنگری فراوانی وجود دارد، که بطور عمده وسایلی نظیر دروینچه و ... تولید می‌کنند.

پس از انقلاب، و پیوسته همزمان با تحریم اقتصادی امپریالیسم، این کارگاهها در صدد برآمدند تا به ابتکار خویش، آنچه را که کمبود و نیاز است، تولید کنند. آنها در موارد زیادی تاکنون موفق بوده‌اند و هر چند در شرایط کنونی از امکانات مادی و پشتیبانی متخصصین دولت برخوردار نیستند، با وسایلی ساده و ابتدایی خویش در این راه گام برمی‌دارند.

یکی از این کارگاهها در خیابان پوریایلی اصفهان واقع است. استادمضان که این کارگاه را اداره میکند، در این زمینه می‌گوید:

کارگاه ما در دروینچه سازی است. ولی در صددیم ماشین لباسشویی تهیه کنیم. پیشرفت‌هایی داشته‌ایم، ولی به امکانات فنی و مواد اولیه لازم دسترسی نداریم.

در همان خیابان، کارگاه دیگری بنام «آهنگری هندسه‌یور» وجود دارد. در اینجا استاد محمد، با تفاق پنج کارگر، کار می‌کنند. از مدتی پیش کبیرول گاز چراغ بیک‌تیک، تولید می‌کنند.

از زبان استاد محمد می‌شنویم:

«بعد از انقلاب، شروع کردیم به ساختن این کبیرول‌های گاز. به شهرهای دیگر هم صادر می‌کنیم. در حال حاضر، این کبیرول‌ها، چندان فروش ندارد. چرا که برای این که در ساختن آنها و بخصوص در جوش دادن، از وسایلی ابتدایی استفاده می‌کنیم. این امر باعث می‌شود کبیرول‌های ما بقدر لازم مرغوب نشوند و از طرف دیگر بازده کارما پایین باشد و نتوانیم آنها را بقیمت ارزانی بفروشیم»

در خیابان خیام اصفهان، کارگاه دیگری وجود دارد که آقای امیرامین وادخواه همراه یک کارگر، در آن کار می‌کنند. در این جا اخیراً ماشین خرمن‌کوب می‌سازند. آنها میخواهند به کسب امکانات فنی و وسایلی لازم بازده کارشان را بالا ببرند.

ببینیم آقای وادخواه چه می‌گوید:

ساختن یک ماشین خرمن‌کوب چند روز طول می‌کشد. اگر تجهیزات مدرن و وسایلی پیشرفته کافی داشته باشیم. همین کارها، در طول چند ساعت می‌شود تمام کرد. گذشته از این، برای این کار باید مدتها دنبال مواد اولیه بگردیم و ورق آهن و فولاد و ... بگیریم. و به قیمتی گران بخریم. نتیجه این میشود که قیمت تمام شده ماشین خیلی بالا می‌رود. کشاورزان خیلی مایلند آنرا بخرند، اما بی‌نی مالی آنها اجازه نمیدهد و ... ماشین روی دست ما میماند.

روی دست دیگری از حرف‌هایش به ما ارجاع می‌دهد:

اول از همه، دولت باید ذوب‌آهن را از هر جهت روبراه کند. راه بیاندازد و گسترش بدهد. نه این که از یک هتلی جمعیتی فقط زیر آهن تولید بشود! تا آنوقت چنین شرایطی، دولت باید مواد اولیه را از کشورهای بیگانه بخرد. اما کارگران بیکار، در این زمینه هم باید دستهای صنعتی مدرن، از جمله ماشین‌های پیشرفته

چه دستهایی بر افزایش ارتش بیکاران کمک می‌کنند؟

کارخانه‌های پتروشیمی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های شیراز است. طرح گسترش این کارخانه هم اکنون در دست اجرا است. پیش‌تر این طرح اقدامی است در جهت انقلاب و بخاطر قطع وابستگی به صنایع امپریالیستی.

در اجرای این طرح جدید و در قسمت‌های مختلف مربوط به آن، بیش از هزار کارگر، کار می‌کنند. در هفته‌های اخیر کارخانه جدید به علت فقدان بودجه تعطیل شد و کارگران آن بیکار شدند.

در آن ایست از نمایندگان کارگران پتروشیمی شیراز (روزنامه توسعه کارخانه) در استنادی فارسی اجتماع کردند و نسبت به تعطیل پروژه کارخانه که باعث بیکاری یک هزار و دویست تن از کارگران این کارخانه شده بود معترض بودند. (این پروژه قبلاً در دست شرکت دی.بی.بی. جی بوده است، ولی پس از آن وابسته به شرکت نفت شد).

ظواهر دلایلی که شرکت نفت برای این تعطیلی آورده استاز این قرار است:

- ۱- نداشتن سیمان (در صورتی که کارگران این بهانه را نمی‌پذیرند).
- ۲- نداشتن نفت.
- ۳- نداشتن کربنات سدیم و متانول.

یکی از نمایندگان کارگران می‌گوید: «روز ۲۶ خرداد به ما خبر تعطیل پروژه را دادند و ما فرصت اعتراضی به کسی را نداشتیم، چون دو روز بعد پروژه تعطیل شد». وی دلایل ذکر شده برای این تعطیلی را رد کرد و گفت:

«هیچ‌یک از کسب‌شماره‌ها، از تهران برای بررسی آمدند ولی چون شرکت نفت حاضر نشده پنجاه درصد اضافه حقوق به آنها بدهد، عملاً بهانه‌هایی آوردند تا پروژه تعطیل شود».

از اضافه کرد:

«این پروژه هیچ احتیاجی به متخصصین خارجی ندارد، و ما می‌توانیم، مانند قبیل، از روی نقشه‌هایی که داریم به کار ادامه دهیم».

برای جلوگیری از بستن کارخانه، نمایندگان شورای کارخانه به تهران آمدند و مسئولین به مذاکره دست زدند ولی نتیجه‌ای حاصل نشد.

نمایندگان شورای کارگران بارها به استاندار محل مراجعه کرده‌اند، ولی متأسفانه هنوز نتوانسته‌اند خواست کارگران و همچنین خواست انقلاب را که تاسیس کارخانه و تولید بیشتر و ... نتیجه قسری در راه قطع وابستگی است، تأمین کنند. دبیر اعتراض کارگران، فرماندار و رئیس سپاه پاسداران

کارفرمایان طاغوتی را باید با زنجیر محکم قوانین مهار کرد

ماده ۳۳ قانون کار و اخراج کارگران

مسائل کارگری

کارگران ایران در طی سال‌های فرمانروائی طاغوتیان برای احقاق حقوق از دست رفته خود، لحظه‌ای از مبارزه باز نایستادند. آنها در اینجا و آنجا، طی مبارزات پیگیر خود قربانی بسیار دادند و آخرین بیکار آنها علیه ظلم و بیعدالتی، اعتصابات سراسری کارگران در آستانه انقلاب بود.

کارگران برای درهم شکستن بساط طاغوت، از آن دست‌نزد ناچیز خود گذشتند و گرسنگی و مرگ را بر آن زندگی رقت‌بار ترجیح دادند و تا طغوت را از پای در نیاوردند، از پای ننشستند. باین امید که تغییری محسوس به نفع زحمتکشان در قوانین کار پدید آید، ولی برخلاف تصور ملاحظه کردند که همان قانون کار زمان طاغوت همچنان باقی است و پرواضح است که آن قانون حافظ منافع زحمتکشان نخواهد بود.

هم‌اکنون، چون گذشته، کارگران را بدون هیچ دلیل قانع کننده‌ای از کار اخراج میکنند و هنوز هم کارفرمایان در محیط کار قدر قدرند و ماده ۳۳ قانون کار، چون گذشته، همچنان حربه‌ایست در دست کارفرما برای اخراج کارگران. در ماده ۳۳ قانون کار آمده است که:

«هرگاه قرارداد (میان کارگر و کارفرما) برای مدت نامحدود منعقد شده باشد هر یک از طرفین میتواند با نود روز اختیار کتبی قبلی، آنرا فسخ کند ... در صورتیکه کارگر اخراجی یکسال ... خدمت کرده باشد، کارفرما در موقع فسخ قرارداد به نسبت یکسال خدمت پانزده روز مزد باو میدهد».

متأسفانه در کشور ما بیکاری وجود ندارد، و کارگران در صورت اخراج از کار، با مشکلات فراوانی مواجه میشوند، چون هیچ مرجعی وجود ندارد که حتی بطور موقت، شکم آن کارگر و خانواده‌اش را سیر کند. بدین جهت شخصیت کارگر به‌یازای گرفته می‌شود و در نتیجه او خود را سر بار جامعه احساس میکند و امکان رشد و شکوفایی کردن استعدادهای خود را از دست می‌دهد.

فرد بیکار هر دم زیر شلاق گرسنگی و بی‌خانمانی بخود می‌پیچد، اما چه سود که سرمایه‌دار خونخوار برای ترساندن کارگران شاغل از اعتراض، احتیاج بارتشی از بیکاران دارد. کارفرمایان با سوء استفاده از ماده ۳۳ تا بحال بسیاری از کارگران را از کار اخراج کرده‌اند. در زیر به چند نمونه از آنها اشاره میکنیم:

نمونه ۱: «چندی پیش یک نفر از پرسنل کارخانه سنگبری ایران در جاده شیراز مراجعه کرد، واسامی کارگرانی را که بیمه نداشتند یادداشت کرد. کارفرما بخاطر اینکه کارگری را بیمه نکرده او را از کار اخراج کرد. تلاش این کارگر برای بازگشت به کار تاکنون بی‌نتیجه مانده است».

نمونه ۲: «کارگر ساده کارفرما به «حل» مسئله پرداخت باین ترتیب که کارگر بیمه نشده را اخراج کرد و حال کارگر را حمایتی‌اند ادعا کند که همه کارگران کارخانه سنگبری ایران بیمه هستند».

نمونه ۳: «صاحب شرکت راه‌سازی انگار واقع در شیراز، دارای ۴۰ دستگاه ماشین‌راه سازی است. اخیراً او دودستگاه از ماشین‌ها را فروخته و دودستگاه دیگر را اخراج کرده است. این دو نفر مدت هشت سال بود که در این شرکت کار میکردند».

نمونه ۴: «امور باغبانی نیروی هوایی شیراز به عهده تعدادی از کارگران فصلی بود. در آستانه انقلاب همه کارگران بدون دریافت مزدی اخراج شدند. برخی از کارگران بیشتر از ۷ سال سابقه کار داشتند».

وقتی باین سه نمونه توجه کنیم، متوجه میشویم که اصولاً برای کارفرما مطرح نیست که کارگری تازه کار باشد و باینکه ۷ تا ۸ سال سابقه کار داشته باشد. اصل مسئله این است که سرنوشت کارگران بدست کارفرما است.

نمونه ۵: «در کارگاه سنگ و صدف کوبی «زند» واقع در شیراز ۱۵ نفر کارگر ایرانی و افغانی کار می‌کنند. چندی پیش کارگران بعنوان عدم اجرای قانون کار توسط کارفرما، زبان به اعتراض گشودند و از او خواستند که به خواسته‌های آنها ترتیب اثر دهد. کارفرما بجای توجه به خواسته‌های برحق کارگران، ۵ نفر از آنها را اخراج کرد».

در کارگاه مزبور چنان محیط حقیقتی حکمفرماست که کارگران حق اعتراض ندارند. البته کارگران باید خوشحال باشند که طاغوت سرنگون شد و گر نه آنها بایک اشاره کارفرما گرفتار جانباں ساواک میشدند!

نمونه ۶: «چندی پیش در کارخانه ساختمانی کار سانبیون شیراز، بدون هیچ دلیلی، ۷ نفر از کارگران اخراج شدند. کارفرما در توجیه عمل خود گفته است: «بعلم نبودن کار در نظر داریم ۱۰۰ نفر را اخراج کنیم، شما اولین گروه از این عده هستید».

کارفرما با کمال وقاحت اقرار میکند که مسئله با اخراج ۷ نفر «حل» نمی‌شود بلکه این رشته سردراز دارد... نمونه‌ها بسیارند و ما فقط به چند نمونه بالا بسنده میکنیم. باین امید که مسئولان امور به مشکلات کارگران رسیدگی کنند و جلوی خودسری‌های کارفرمایان را بگیرند.

کارگران کشور ما که با اعتصابات پیگیر خود کم‌طاغوت را شکستند پس از پیروزی انقلاب، چشم‌آید بدولت موقت دوخته بودند تا بلکه بهبودی در زندگی سراسر رنج آنها حاصل شود. متأسفانه تیر آنها به سنگ خورد ...

چند ماه قبل سمینار شوراهای اسلامی کارخانجات تهران و حومه با شرکت نمایندگان و اعضاء این شوراها به منظور بررسی قانون کار تشکیل شد.

دست سرمایه‌داران وابسته از صنایع و کارخانه‌ها کوتاه!

از این رو ماده اولیه‌ای را که می‌توانست از دیگر کشورها تهیه کند، فراهم نمی‌کنند.

کارگران میگویند:

«این شخصی اصلاً با بهره‌های اصلی رژیم طاغوت در ارتباط بوده است و باید کارخانه ملی اعلام شود و اموال کارفرما ضبط شود. ولی نه تنها ابتکار عملی نشده است بلکه دولت به این سرمایه‌دار چندی قبل ۴۰ (بیست) میلیون وام پرداخت کرده است تا او کارخانه دیگری در تهران ایجاد کند».

کارفرما با خروج کردن سرمایه صنعتی نه تنها باعث رکود اقتصادی و بیکار شدن هر چه بیشتر کارگران شده، بلکه بنا بکارگیری این سرمایه هتکفت در تجارت با دول امپریالیستی، کار بازرگانی خارجی را که باید در دست دولت باشد، همپده گرفته است و اجناس و اراضی را بهر قیمتی که خواهد می‌فروشد و از این طریق نیز برگرانی و تورم می‌افزاید.

کارخانه پرسیولیس شیراز که مواد اولیه پلاستیک سازی را تولید میکند، متعلق به شخصی است که به ادعای کارگران با خاندان منور پولوی نیز در ارتباط بوده است.

این کارخانه که ۱۷۵ نفر کارگر دارد، از چندین پیش بعلت فقدان مواد اولیه از کار باز ایستاده است. پیش از انقلاب ماده اولیه آن از اسرائیل وارد میشد و از آن پس آلمان فدرال ماده‌دار تأمین آن شد. اکنون نیز با تحریم اقتصادی ایران توسط امپریالیسم و از جمله آلمان فدرال، مواد اولیه وارد نمیشود.

کارگران مدتی است حقوق دریافت نکرده‌اند. آنان علاوه بر حقوق عقب‌مانده خواهان مزایای شغلی نیز هستند.

کارفرما می‌گوید:

«چون ماده اولیه وارد نمیشود، کارخانه خوابیده است» ولی حقیقت بگونه دیگریست. واقعیت اینست که کارفرما حدود ۵۰ میلیون تومان از سرمایه کارخانه را بپیرون کشیده و در شرکت حمل و نقل خویش (ایران-هابورگ) بیکار انداخته است.

ناحیه با تفاق رئیس پتروشیمی به محل کارخانه رفتند. نماینده کارگران خطاب به آنان:

«تعطیل کارخانه غیرقانونی است»

او همچنین اضافه کرد:

«من ۹ ماه تمام بدون دریافت حقوق، باستمرار انقلاب بپوشیده‌ام و حالا میخواهند مرا بیکار کنند. آنها قول داده‌اند که در جهت

مستجابی در کار است که کارخانه را تعطیل کنند و به تعداد بیکاران یافزایند، تا نارضایتی چون شدت پیدا کند».

خواست کارگران این طرح نظیر دیگر کارگران ایران، آن است که دولت از تعطیل کارخانه‌ها و اصولاً با بستن و بیکار کردن کارگران، در جهت راه‌اندازی هر چه بیشتر موسسات تولیدی بکوشد.

متأسفانه برخی از مقامات مسئول این تعداد بیکاران را امری طبیعی جلوه میدهند ولی در واقع اینطور نیست. بیکاری فقط و فقط در کشورهای سرمایه‌داری غرب امری طبیعی است. زیرا این جوامع و نظامها، بر اساس منافع مشتی سرمایه‌دار بنا شده‌اند.

در شرایط خاص کشور ما، بخوبی قابل درک است که بیکاری چند میلیون نفری چه خطر عظیمی برای انقلاب در پی خواهد داشت.

بیکاری از یک سو زمینه بسیار مناسبی را برای تبلیغات ضد انقلاب فراهم میکند، و از سوی دیگر کشور ما را از چند میلیون بازوی کار، در شرایط و کشاکش اقتصادی، محروم ساخته است. بازوایی که در شرایط محاصره اقتصادی امپریالیسم میتواند نیازمندی‌های کشور را در زمینه تولید صنعتی و کشاورزی برآورده سازند.

حذف هوادی چوچ ماده ۳۳ قانون کار، که تاکنون هو: سوء استفاده کارفرمایان قرار گرفته است و گنجانیدن هوادی که اخراج کارگر را فقط با اجازه سندی امکان پذیر سازد از جمله وظایف تدوین کنندگان قانون جدید کار است. حل‌مساله بیکاری بطور گریز ناپذیری با مهار کردن کارفرمایان یکمک زنجیر محکم قانون، و از جمله با لغو هوادی نظیر ماده ۳۳ امکان پذیر است.

یکی از اعضاء کانون در این سمینار گفت:

«قانون کار گذشته بی‌بسته و وسیله‌ای برای بهره‌کشی و استثمار هر چه بیشتر کارگر و حاکمیت مطلق بخشین به کارفرمایان و سرمایه‌داران بود. ما باین منظور اینجا گردیم آمده‌ایم تا به استبداد و سلطه سرمایه‌دار، که بوسیله کارفرما در کارخانه اعمال شده است پایان دهیم».

در آن جلسه کارگران به مسئولین امر یادآور شدند که اگر در قانون کار خواست کارگران گنجانده شده باشد و در جهت رفع مشکلات آنان برنیاید، آنرا اجرا نخواهند کرد.

در جلسه مزبور نماینده شورای کارکنان سیمان آبیک در باره ماده ۳۳ قانون کار گفت: «باینکه چندین بار از طرف اکثریت کارگران موجود به این اصل اعتراض شده است و مسئولین هم بآن مخالف هستند ولی هنوز ما می‌بینیم که این ماده اجرا می‌شود و کارگران را بدون دلیل اخراج میکنند و کسی هم به حرف ما گوش نمی‌دهد».

چندی پیش وزیر کار در یک مصاحبه مطبوعاتی در مورد تعداد بیکاران گفت:

«ما فقط در حدود ۵۰۰ هزار بیکار داریم که بیشتر آنها دیپلمه هستند».

(البته رقم دقیق بیکاران طبق آمار رسمی به میلیون‌ها نفر بالغ میشود و تعداد ۵۰ هزار نفر بیکار رقم صحیحی نیست).

به خواسته‌های کارگران دنیای فلز توجه کنید!

کارخانه دنیای فلز واقع در جاده مخصوص کرج، با حدود ۴۰۰ کارگر و ورق (دول) آهن و بهر دلیل تبدیل می‌کند.

حق که بوجب آن دولت و کارفرما موظف بودند، هر سالی، بعلت افزایش تخصص و کارایی، مبلغی اضافه حقوق به کارگران داده شود تا سال گذشته کم و بیش اجراء می‌شده است.

اما امسال، کارفرما با این بهانه که، اضافه حقوق همان مبلغیست که دولت پرداخت کرده است، (حدوداً ۱۰۸ ریال) از دادن اضافه حقوق سببه خود خودداری می‌کند. در حالی که به گفته شورای کارگران، کارفرما پروتیبیل ۲۰۳ ریال گرانتر از قیمت تعیین شده می‌فروشد!

هم‌اکنون در کارخانه فضای حکمفرماست که می‌تواند مورد بهره‌برداری شد انقلاب فراد بگیرد. ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که هر چه سریعتر به خواست بحق کارگران این کارخانه توجه کنند.

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

امپریالیسم جهانی بسر کردگی امریکاماشین عظیم

باملی کردن ایتال کنتراکتور کارگران را از قید استثمار رها سازید

شرکت های «کندوتواسترا» و «پالویزانی» که تحت پوشش شرکت ایتال کنتراکتور کار می کنند، شرکت های ایتالیایی هستند. در این شرکت مجموعاً ۱۸۰۰ نفر اعمار کارگر و کارمند ایرانی و ایتالیایی کار می کنند که بیش از هزار و شصت نفر آنها ایرانی و بقیه ایتالیایی هستند.

این شرکت در سال ۱۳۵۵ کار خود را با ساختن اسکله و انبار په صورت بیست و یکم آغاز کرد. شرکت ایتال کنتراکتور در غرب بندرعباس، در فاصله ۲۱ کیلومتری شهر قرار دارد. مدیر شرکت ایتالیایی است.

یکی از مشکلات این شرکت وابسته به یکی از کشورهای امپریالیستی است، پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا و سپس تحریم اقتصادی ایران از طرف کشورهای امپریالیستی به این شرکت دستور داده شده است، که کارگران ایرانی را نه تنها استخدام نکند، بلکه اخراج نیز بکند. از آن به بعد همواره در کار شرکت از طرف روسای آن کارشنکی شده است.

پس از پیروزی انقلاب، کارگران سندیکای واقعی خود را تشکیل دادند. همچنین با تشکیل شورا موفق شدند خواستهای خود را با سندیکا در میان گذارند. خواستهای کارگران عبارتند از:

- ۱- پمپ دوری راه ساعت رفت و برگشت از یک ساعت به مساعت افزایش یابد و بدی آب و هوا پرداخت شود.
- ۲- افزایش میزان دستمزد.
- ۳- بکار گرفتن عمده ای از کارگران بیکار بسومی، جهت حفاظت از شرکت، تا کار شرکت از دو شیفت به سه شیفت تبدیل شود.
- ۴- برکناری افرادی که علیه کارگران با نفرت افکنی توطئه میکنند. (این عمده بیشتر کسانی هستند که پس از پاکسازی در ارتش به این شرکت روی آورده اند).
- ۵- استخدام یک پزشک ایرانی در داخل شرکت، و تأمین بهداشت محیط کار و ایجاد امکانات ایمنی در محیط شرکت.

دیس شرکت خواستهای کارگران را با اطلاع مسئولین شرکت در تهران رساند. ولی آنها هیچ پاسخی به کارگران ندادند. کارگران بعنوان اعتراض نسبت به بی توجهی مسئولین در جلسه در ویدی شرکت اجتماع کردند. در همان روز نماینده وزارت کار و امور اجتماعی نزد کارگران آمد و برخلاف تصور آنها اظهار داشت که خواست کارگران قانونی است. این مسئله باعث ناراحتی بیشتر کارگران شد.

پس از پنج روز نماینده امام با توافق نماینده اداره کار به آنها آمدند و به کارگران قول همه گونه مساعدتی را دادند.

هنوز به همه خواستهای قانونی کارگران ترتیبی داده نشده است. ما از مقامات مسئول مسأله می خواهیم تا هر چه زودتر به خواستهای بر حق کارگران ترتیب اثر داده شود تا در این شرایط فزاینده گونی که کشور در حال مبارزه با امپریالیسم جهانی است، بیانه بدست ضدانقلاب داده شود تا از قرضایی کارگران سوءاستفاده نکند.

امپریالیسم جهانی بسر کردگی امریکاماشین عظیم

اقدامات دشمنانه امپریالیسم آمریکا در چند هفته سالو علیه انقلاب ایران که مورد پشتیبانی همه جانبه امپریالیسم جهانی قرار گرفت، یکبار دیگر چهره زشت و خونخوار امپریالیسم را از پشت ماسکهای ریا و تزویر نمایان ساخت. این اقدامات با جایجا کردن محمدرضای مردم کش از بانامای بمصر آغاز گردید، با تصمیماتی در زمینه محاصره شدید اقتصادی علیه ایران دنبال شد و با تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا به اوج خود رسید.

این سلسله اقدامات دشمنانه نسبت به انقلاب ایران، با اینکه آخرین آنها، یعنی تهاجم غافل گیرانه نظامی، با شکست ننگینی روبرو گردید، مسلماً پایان نیافته و بدون تردید مقدمه اقدامات بازهم دشمنانه تر و شدیدتر امپریالیست ها در آینده است. این اقدامات و نظایر دشمنانه تر و شدیدتر آنها در آینده، عکس العمل کاملاً قانونمند غارتگرانه و جنایتکارانه امپریالیستی نسبت به انقلاب ضد امپریالیستی و عینیاً خلقی ایران است. امپریالیست ها بخوبی می دانند که انقلاب ایران، در همین ابعاد کنونی و با وجود کمبودها و نارساییهای بسیار، ضربه کاری و زخم درمان ناپذیری بر پیکر غول امپریالیسم وارد ساخته و پایداری انقلاب ایران حتی در همین ابعاد و با همین نارساییها باعث خواهد شد که این زخم بازهم گسترش یابد، عمیق تر شود و خطرهای تازه ای برای تسلط غارتگرانه و جنایت بارانه امپریالیسم در «جهان سوم» و به ویژه در منطقه بسیار مهم کشور ما بوجود آورد.

مهم ترین نتیجه ای که نیروهای انقلابی از رویدادهای اخیر می توانند و باید بگیرند، این است که سیاست امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا از همان اولین پیروزی انقلاب تا کنون کوچک ترین تغییری نکرده و هدف همیشگی و بدون تغییر این دشمنان، تا کاملاً ساختن انقلاب ایران و بازگرداندن آشکار و یا کمی پنهان وضع گذشته، یعنی وابستگی سیاسی - اقتصادی - نظامی و فرهنگی ایران به امپریالیسم بوده و هست. حالا که می شنویم تدارک تجاوز نظامی به ایران از نوامبر گذشته آغاز شده و یا این که درامه اوت گذشته، یعنی پیش از رویدادهای تاسف آفرین مراد و شهریور، رهنمودهای کارتر برای مقابله با انقلاب ایران به وسیله برژینسکی، طراح همه توطئه های جنایت بار آمریکا در جهان، به وزارت خارجه آمریکا اعلام می گردد و به دنبال آن ملاقات بازرگان و بزدی و چمران با برژینسکی در الجزیره انجام می گیرد، می توانیم با دقت بیشتر تاباوی روشنی از سیاست های امپریالیسم آمریکادر زمینه رسیدن به این هدف اساسی ترسیم نماییم.

در نخستین آزمایش برای این کار می توان چهار مرحله را در سیاست آمریکا مشخص ساخت: مرحله اول: تلاش برای منحرف کردن انقلاب ایران و برگرداندن اوضاع گذشته به کمک دنیرو؛ یکی نیروی امپریالیسم و دیگری نیروی لیبرال ها. امپریالیسم بعنوان عوامل سرسپرده و گوش بفرمان، لیبرالها، یعنی نماینده سرمایه - داری ایران بعنوان متحدین بالقوه جهان امپریالیستی و دشمنان سمت گیری خلقی و ضدغارتگری در انقلاب.

مرحله دوم: در این مرحله امپریالیسم چهره خشن و تجاوزکار خود را نشان می دهد و فشار سیاسی و اقتصادی و تدارک حمله نظامی در برنامه روز قرار می گیرد. مرحله سوم: تلاش برای منحرف کردن انقلاب ایران، با توسل به حیل و گری و فریب دادن عناصر متزلزل و سازشکار در رهبری انقلاب، به ویژه از راه تشدید گرایش های ضد کمونیستی و ضد کشور های سوسیالیستی (به ویژه ضد شوروی) با استفاده از رویدادهای افغانستان.

مرحله چهارم: اعمال فشار سیاسی - اقتصادی - نظامی و تدارک تجاوز آشکار. تلاش برای منحرف کردن انقلاب بدست عمال سرسپرده امپریالیسم و لیبرالها

در مرحله اول، سیاست عوامل و گروه های ضدانقلاب سرسپرده به آمریکا (از امیر انتظامی ها، دریادار علوی ها و تریه ها و مقدم ها گرفته تا گروه های رنگارنگ راست و چپنا) این بود که:

- ۱- باتمام قوا در جهت تضعیف رهبری امام خمینی در انقلاب عمل کنند؛
- ۲- هر قدر ممکن است نهادهای انقلاب را که به ویژه در این دوره به قلع و قمع و محاکمه و اعدام و مساعده اموال غارتی گردانندگان رژیم گذشته و جنایتکاران سرسپرده و نیروهای انتظامی و ساواک پرداخته بودند، تضعیف نمایند؛
- ۳- با جلوگیری از حل مشکلات اساسی، اقتصاد کشور را با فلج روبرو سازند.

سیاست دولت «گام به گام» مهندس بازرگان که ۳۳٪ بار غلط کرد که در انقلاب شرکت کرده است، این بود که روند گسستن از وابستگی های اقتصادی، نظامی و سیاسی به امپریالیسم آمریکا را به هر صورت که ممکن است، ترمز کند. این سیاست تا آنجا پیش رفت که دولت لیبرال علیه اعدام جنایت کاران ساواک، علیه مساعده اموال غارتی و وابستگان به رژیم سرنگون شده به مخالفت برخاست و در جهت بازگشت سرمایه داران و واگذاری اعتبارات به آنها و تثبیت قرار - دادهای اسارت آور با امپریالیست ها به طور رسمی موضع گیری کرد. مطبوعات وابسته به امپریالیسم و عمال جا گرفته در رادیو و تلویزیون نقش بسیار مهمی را در این توطئه به عهده گرفته بودند - مراجع سطحی به مندرجات روزنامه های وابسته مانند آیندگان، تهران محور، امید ایران و نظایر آنها به روشنی این حقایق را تأیید می نمایند.

مقامات رسمی آمریکا نظر خود را در باره پشتیبانی از دولت بازرگان علیه امام خمینی و روحانیت مبارزی که از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی پیروی می کرد، کاملاً آشکارا مطرح می ساختند. همان طور که اسناد و افشای گری های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نشان دادند، در این مرحله امپریالیسم آمریکا و همستانتش که هر یک نمایندگان و مدافعینی در مقامات حساس کشور ما داشتند، امیدوار بودند به تدریج خط سازشکارانه و تسلیم طلبانه لیبرال های ایران را به خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی که از طرف قاطبه مردم پشتیبانی می شد، مسلط سازند و از این راستون فقرات انقلاب ایران را بپسندند. آنها اطمینان داشتند که در صورت موفقیت در این سیاست، بازگرداندن بختیار و اویسی و حتی شاه و یا توله اش، تنها کار زمان است و در برابر آن مانع جدی وجود ندارد.

نقطه اوج این مرحله، دیدار بازرگان با برژینسکی، بدون اطلاع امام بود؛ دیداری که درست چند هفته بعد از رهنمودهای کارتر در

باره اقدامات ضروری برای تضعیف و شکست انقلاب ایران که به وسیله برژینسکی به وزارت خارجه آمریکا ابلاغ شد، انجام گرفت و مسلماً جزئی از آن نقش بود. متأسفانه مردم ایران هنوز هم از محتوای مذاکراتی که در این دیدار بسیار مهم انجام گرفت، هیچ گونه اطلاعی در دست ندارند.

در هر صورت نیروهای انقلابی پیرو و پشتیبان امام خمینی با احساس خطر عظیمی که انقلاب ایران را تهدید می کرد، ابتکار عمل را به دست گرفتند و با اطمینان این که امپریالیسم آمریکا، در عین تلاش برای جابجایی نیروهای معینی از دستگاه حاکمه ایران، همه تمهات ضروری برای درهم شکستن انقلاب ایران را تدارک می بیند و مرکزین تدارک و توطئه در سفارتخانه آن کشور جای گرفته است، به اشغال جاسوسخانه شیطان بزرگ پرداختند. این اقدام تاریخی که بلافاصله مورد تأیید رهبر انقلاب و همعینروهای راستین هوادار انقلاب و منجمله حزب توده ایران قرار گرفت، تأثیر تاریخی در تحول مناسبات ایران با جهان امپریالیستی و در جهت تقویت و تعمیق خصمت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ایران ایفا نمود.

امپریالیسم چهره خشن و تجاوزکار خود را نشان می دهد

این اقدام جورانه و انقلابی، تمام حساب های امپریالیسم آمریکا را در هم ریخت و او را وادار ساخت که چهره پلید و خشن سیاست خود را آشکارتر سازد. امپریالیسم آمریکا به محله وسیعی علیه ایران دستزد، نزدیک ۸ میلیارد دلار سرسپرده های بانکی ایران را توقیف کرد و کوشید تا شورای امنیت را به محاصره اقتصادی ایران وادار کند. ولی این کوشش، اگر چه، از طرف تمام همستان غربی آمریکا همجانبه پشتیبانی شد، توانست ۱۰ رای از ۱۴ رای شورا را جلب کند (نماینده چین مزورانه از شرکت در جلسه خودداری کرد) بر اثر روتوی اتحاد شوروی به موقتیت نرسید.

تدارک فشار نظامی با تمرکز وسیع نیروهای دریایی در آب های ساحلی ایران آغاز گردید. به طوریکه پس از تجاوز نظامی آمریکا به منطقه طیس فاش شد، تدارک این کار هم از همان مامونامبر، یعنی پس از اشغال سفارت آمریکا آغاز شده بود. در همین مرحله است که فعالیت های خراب کارانه در خوزستان، تحریک بر خوردهای منجر به برادر کشی میان نیروهای نظامی و مردم کردستان و مهم تر از همه تجهیز نیروهای ضد انقلاب برای آشوب در سراسر ایران، به طور بی سابقه ای شدت پیدا می کند و ما شاهد فعالیت های وسیع حزب جمهوری خلق مسلمان هستیم که معلوم شده نه هوادار جمهوری، نه هوادار خلق و نه هوادار اسلام است، بلکه صاف و ساده عامل کالان سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و دارو پسته بختیار و پالیزبان می باشد.

جالب این است که همین عوامل آمریکا در داخل و خارج دستگاه دولتی که در جهت اجرای دستورهای برژینسکی در زمینه تشدید تحریکات علیه شوروی عمل می کردند، کوشیدند حتی این اقدامات حزب وابسته به امپریالیسم آمریکا، حزب جمهوری خلق مسلمان را به حساب حزب توده ایران بگذارند. همان حزی که تمام این تحریکات را از همان آغاز، دسیسه و نقشه آمریکا اعلام کرده بود. شکست توطئه حزب خلق مسلمان در آذربایجان هم به نوبه خود ضربه دیگری به سیاست آمریکا در ایران وارد ساخت. باین همه در نقشه اصلی آمریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران تغییری پیدا نشد.

تزویدر از تباطور ویدادهای افغانستان

مدتها پیش از انقلاب ایران، یعنی از همان فردای پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق افغانستان، امپریالیست های آمریکایی و همستان انگلیسی و چینی و پاکستانی شان بر آن شدند که انقلاب افغانستان را با شکست روبرو سازند. انقلاب افغانستان که توطئه های تجاوزکارانه و سلطه غارتگرانه امپریالیسم را در گوشه ای از این مهم ترین منته استراتژیک جهان امپریالیستی، به خطر می انداخت مانند خاری در چشم دشمنان خلق های جهان فرو رفته بود.

آمریکا، انگلیس، چین و پاکستان و محمدرضای خائن بر آن شدند که از یک سو فتوای های سلب مالکیت شده افغانی و نیز افرادی نظیر اویسی ها، پالیزبان ها و ازهارا، دارو پسته هایمانند دارو پسته شبان منخ و حزب جمهوری خلق مسلمان، حادثه جویانی از قماش کومله و چپ نماها و مائوئیست ها و تروتسکیست ها و کلیه مرتجعین میهن فروش و روشنفکران آریامیری را که نمونه هایشان در افغانستان نیز یافت می شوند، علیه انقلاب افغانستان متشکل سازند و از سوی دیگر عناصری نظیر امپریالیسم ها را که از پیروزمای در داخل نیروهای دموکراتیک و خلقی جاز زده بودند، به کار اندازند، تا انقلاب خلق افغانستان را به ناکامی بکشانند.

خند انقلاب از همان آغاز فعالیت و سازماندهی علیه انقلاب افغانستان، به یک عامل عمده دیگر هم توجه داشت و آن برانگیختن احساسات مذهبی توده های نا آگاه افغانستان، به ویژه دهقانان عشایر، علیه انقلاب بود.

باین ترتیب طیف پهناوری از ارتجاعی ترین و جنایت کارترین عناصر وابسته به امپریالیسم و رژیم های محمداطه ر شاه و داودخان در

یک دست و عناصر گوناگون ضد انقلاب و ضد خلق وابسته به قشرها: مرفه جامعه در وسط و بخشی از عناصر مذهبی گول خورده در سه دیگر، جبهه ضد انقلاب را تشکیل دادند.

پس از پیروزی انقلاب ایران و خنربه مملکت تازه ای که با آن بر امپریالیسم وارد آمد، امریکای انگلیس و چین و پاکستان تده نیروی خود را در منطقه متوجه دو جبهه نمودند: جبهه انقلاب ایرا و جبهه انقلاب افغانستان. در همین مرحله است که نقش خائنا حفیظ الله امین (نوع افغانی امپریالیسم) در دولت و رهبری انقلاب افغانستان لطمه بسیار سختی به انقلاب افغانستان وارد می آورد. مقدمه دخالت گسترده نظامی را به صورت تجهیز و آموزش گروه ها منظم ضد انقلابی در پاکستان و چین و اعزام منظم آنها بر ایچاد کانون های شورش و اغتشاش و خراب کاری، همان طور مادر ایران شاهد آن بودیم، فراهم می سازد.

با کشف خیانت حفیظ الله امین و برکناری او از مرکز قدرت آمریکا و هم دستاویز بر آن شدند که با مداخله نظامی مستقیم از شکست قطعی توطئه ای که سالها برایش تلاش کرده بودند، جلوگیری نمایند. دعوت دولت انقلابی افغانستان از اتحاد شوروی برای اعتراف واحدهای معدود نظامی، به منظور پیش گیری از اجرای همین تده جنهمی امپریالیسم بود.

این واقعت مهم را هم باید یادآوری کرد که امپریالیست ها آمریکایی و انگلیسی از نقش جنهمی خود در افغانستان دو هد اساسی داشتند. اول این که خود افغانستان را زیر سلطه خود در آوردند و آن را مانند ایران دوران طاغوت به پایگاه ضد اتحاد شوروی تبدیل سازند. دوم این که ایران انقلابی را به وسیله وابستگان از طرف احاطه کنند و حلقه محاصره امپریالیستی را از شرق و جنوب و غرب بهم پیوند دهند.

ورود واحدهایی از ارتش شوروی بر پایه قرار داد موج بین افغانستان و اتحاد شوروی که طبق موازین بین المللی و موازین ملل متعقد شده است، نقشه های امپریالیسم آمریکا و همستان را به کلی درهم ریخت. روزه های گوش خراش امپریالیسم جهانی هم دستاویز در نتیجه مشت محکمی که در افغانستان نوش جان کرد نشان دهنده شدت ضربه ای است که به آنها وارد شده است. کارتر که بیوسته توطئه های جدیدی برای قتل رهبران اسلا ایران تدارک می بیند، اکنون به یک بار حامی سوگند خورده اس از آب در آمده است.

پس از شکست نقشه آمریکا، ستاد عملیاتی امپریالیسم نقشه جدید و یا دقیق تر بگویم دام جدیدی آماده کرد: دام حیل و تزه زیر پوشش دفاع از اسلام و آمادگی برای «دروک» انقلاب اسلا ایران، آمادگی برای حمایت از اقدامات کشورهای «مسلم» (مصر، پاکستان و عربستان سعودی و البته چین و اسرائیل هم اخیراً مسلمان تر از هر مسلمانی شده اند) آمادگی برای کمک پیروزی اسلام در افغانستان و بدین ترتیب کوشش برای منساختن انقلاب ایران از ست گیری ضد امریکایی و سوگندان علیه روتوی اتحاد شوروی. با امید به تحقق این خنمه ها است که ک اجرای مجازات های اقتصادی ایران را به عقب می اندازد، عز امپریالیسم آمریکا به راه می افتند و می کوشند تا بین آمریکا و ای میانجیگری کنند. معاملات پشت پرده برای گرفتن گروگان ها ازاء مطالعه درباره تسلیم شاه به ایران آغاز می شود، سازشکارا تسلیم طلبان میدان میباز می کنند و سیاست مداران بی تجربه ای به جاله می افتند و گول این حیل گری ها را می خورند. ولی نقشه های جنایت کارانه امپریالیست ها علیه ایران کوچک ترین تغیی حاصل نمی شود. تمرکز نیروهای نظامی آمریکا در منطقه باشت ا می یابد. امریکای کوشد جهان امپریالیستی را علیه کشور سوسیالیستی و کشورهای ضد امپریالیستی تجهیز کند.

در ایران تبلیغات علیه اتحاد شوروی و حتی علیه کشور، عربی عضو «جبهه پایداری» و جبهه آزادی بخش فلسطین به اوج می رسد و «دلال های» امپریالیستی برای برقراری مجدد مناد اقتصادی با امپریالیسم و حتی خرید بدکی ها از امریکا بد می افتند... امریکا با احساس پشتیبانی از سوی دولت ایران امیا می شود که این بار با حیل به باز گرفتن کام به کام گروگان ها خواهد شد و راه را برای عملی ساختن همان سیاستی که در دوران، کام به کام لیبرال ها تقویت می شد، هموار خواهد ساخت.

حزب توده ایران با وجودی که مورد هجوم بی سابقه از د همه آن نیروهای قرار گرفت که در این نقشه دست داشتند و دام حیل و تزویر امپریالیسم افتاده بودند، تقریباً تنها سازمانی که این نقشه های خطرناک را افشا کرد و خطرات آن را نشان این بار هم مقاومت و استواری نیروهای پیگیر و پایدار و پشتیبان خط امام و درایت و شناخت سیاسی امام خمینی تده خطرناک امپریالیست ها را نقش بر آب ساخت.

مخالفت امام با نقشه محیالنه پیرون کشیدن گروگان ها از دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی آمریکا، بدون گرفتن کوچک امتیاز ملموس و مشخص و روشن، ماهیت پلید امپریالیسم ام را رسوا ساخت. امریکا تصمیم گرفت پیش از آن که شکایت ا علیه محمدرضا به محاکم پاناما داده شود شاه را عجلانه از زیره خارج سازد و او را به جای امنی نزد هم پالک اش سادات بفر با وجود این افتضاح، امپریالیسم آمریکا به موازات تشا تسریع کار تدارک حمله نظامی به طیس نامه محیالنه و بر الی را به امام نوشت، به این امید که شاید این تیر به هدف برسد.

تجاوز آشکار امپریالیسم آمریکا

بسیالی دردناکی که امام خمینی با انتشار نامه کارتر و ارزش خود از این نامه به صورت این دغف کاران جهانی نواخت، بر امپریالیسم جهانی نسبت به انقلاب ایران وارد مرحله قطعی خود شد. امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا که هرگز دیگری جز درهم شکستن انقلاب ایران، در همین ابعاد کنونی نداشته است، پس از آن که همه نقشه های مزورانه و حیل گریا با شکست روبرو شد، آخرین تیر ترکش خود را بیرون که آن تجاوز آشکار علیه انقلاب ایران است.

امپریالیسم آمریکا از همان ماه های آخر حکومت طا که دیگر مسلم شده بود آن رژیم رانمی توان حفظ کرد. نقشه تجاوزی را طراحی کرده به تدارک اجرای آن پرداخته بود

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسم

جهانی خود را علیه انقلاب ما به راه انداخته است

با برنامه ریزی صحیح به این وضع آشفته خاتمه دهید

مشولان شرکت واحد تا کنون برنامه دقیقی برای استفاده صحیح از امکانات موجود تنظیم نکرده اند.

بناظر می رسد تعداد افرادی که موافق همکاری و همی کردن وسائط حمل و نقل شهری و جابجا کردن مسافران از آن طریق باشند، حتی در سطح مشولان شرکت بسیار کم است.

گر چه تصمیم شورای انقلاب در مورد استفاده از وسائط نقلیه دولتی بسیار خوب و بیجا بود اما می داد که این وسائط در اختیار عموم باشد ولی این بی برنامهگی و سهل انگاریها، این خرابیها را در پی بردی از بین بر نهد، و بار دیگر ناگزیر شوند برای ادارات، وسائط نقلیه خریداری کنند.

در حال حاضر رانندگان اتوبوسهای ادارات را که لااقل در قبالت اداره مربوطه مستقری برای نگاهداری وسیله داشته اند، به کار دیگری می گمارند و وسیله را به شخص ثالثی می سپارند.

در مسیر راهها پاجه پلیت فروشی و تابلو لازم وجود ندارد. توزیع وسائط نقلیه در سطح شهر بدون حساب و برنامه است. برای مثال: در خط زنجانی - طرشت - دریا تو که با دو مینی بوس اداره میشود، حدود ده الی یازده مینی بوس به کار گرفته شده است، که اغلب بیکارند، ولی در خطوط دیگری که مسافر زیاد است، وسیله بسیار کم است.

چنانچه وضعیت مینوال پیش برود فکر صحیح و مابلی با برنامه بزرگی صحیح و افراد دلسوز پرحله اجرا در نیاید، طرح بازرانی افرادی دچار شکست خواهد شد.

بایستی هر چه زودتر دست افراد نایاب را از این کار مهم کوتاه کرد و حسابرسی آگاه و مردمی از خود مردم به کار گرفته شوند. برای فروش پلیت و رانندگی لازم وسیله تابلوهای مخصوص و همچنین توزیع وسائط نقلیه با توجه به نیاز احتیاج دلسوز، اقدام لازم بعمل آید تا طرح موفق شود.

برای شهیدان حزب و جنبش

نامه مردم در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت تنگین و منور خاندان پهلوی در راه آرمان های ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده اند، جمع آوری کند. از همه میهن دوستان و آزادیخواهان تقاضا می شود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر نامه مردم، مراجعه کنند.

با سپاس - نامه مردم

باید بسوی بخش های دیگر این انقلاب جهانی شد امپریالیستی که پشتیبان واقعی و بالقوه انقلاب ما هستند، دست دوستی و همکاری دراز کند. ماهواره تاکید کردیم که جبهه جهانی ضد امپریالیستی از سه بخش عمده و پایه های تشکیل میگرد - این سه بخش عبارتند از اول، کشورهای سوسیالیستی که در آن ها توده های مردم به رهبری طبقه کارگر قدرت دولتی را در دست گرفته و به استثمار و غارت سرمایه داری، پایان داده اند؛ دوم، جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری رشد یافته که علیه سرمایه داری انحصاری کشور خود و برای برانداختن غارت سرمایه داری، در راه ایجاد جامعه سوسیالیستی در نبردند و سوم، جنبش های رهایی بخش ملی در کشورهای زیر سلطه امپریالیسم، امه از آن ها که با نبرد انقلابی خود قدرت دولتی را به دست آورده در راه تأمین استقلال همه جانبه در تلاشند و یا آن ها که هنوز در راه بدست آوردن استقلال سیاسی مبارزه می کنند.

این ها هستند دوستان واقعی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، وابستگان به امپریالیسم امریکا، ساواکی ها و سایر نیروهای ضد انقلاب، بورژوازی لیبرال که نماینده سرمایه داری بزرگ ایران است و کلیه ضد کمونیست های رنگارنگ، امه از راست افراطی و چپ افراطی و یا عناصر دمکرات، تمامی نیروی خود را برای لوث کردن این واقعیت به کار انداختند و هنوز هم از این کار خسته نشده اند. عناصر این طیف ناهمگون، عملا در جهت واحدی تلاش می کنند و آن تضعیف جبهه ضد امپریالیستی جهانی، ایجاد نفاق و دو سنگی نه تنها در میان نیروهای راستین وفادار به انقلاب در ایران، بلکه میان انقلاب ایران و پشتیبانان آن در صحنه جهانی، ما می دانیم که این طیف ناهمگون است و در کنار گروه ها و عناصر شناخته شده ضد انقلاب، گروه ها و عناصر گمراهی که در میان نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی میهن ما هستند قرار دارند و ما متأسفیم که این نیروها مانند همان کسی عمل می کنند که خود روی شاخ نشسته و بن می برد.

انتشار یادداشت برژینسکی به وزیر خارجه امریکا در باره سیاست و اقدامات تحریک آمیز علیه انقلاب ایران که از طرف آقای بنی صدر، رئیس جمهور منتشر گردید، ماهیت تمام این تلاش های تبلیغاتی و سیاسی را که بر بخش عمده ای از تبلیغات دولتی و رادیو و تلویزیون هم حکومت می کند، نشان داد. برژینسکی از طرف کارتر به وزارت خارجه و سیاستور می دهد که بگویند تا سوزن بین ایران و همسایگانش را (البته مقصود در درجه اول اقتصاد شوروی و افغانستان است) هر چه ممکن است شدیدتر کنند.

عمل حزب توده ایران، علی رغم همه دشمنی ها، در جهت خنثی کردن این دستور شیطان بزرگ علیه انقلاب ایران بوده و هست اگر عمل برخی مقامات مسئول دولتی و شورای انقلاب و رسانه های گروهی و گروه های سیاسی از راست راست تا چپ چپ را در همین چهارچوب مورد بررسی قرار دهیم، مسلما روسیاهی به دنبال های باقی خواهد ماند که می خواهند خود را سفیدتر از برف جا بزنند. رویدادهای اخیر نشان داد که «تئوری» زنگنه زده سازش بین «دوایر قدرت» که رهبران خانن چین چندسال پیش رواج دادند و اکنون در جهان هم چون قلب که قلب بی اعتبار شده است، در ایران هم نمی تواند جایی برای خود باز کند. زندگی نشان داد که تنها کشورهای سوسیالیستی، از شوروی و اروپای شرقی گرفته تا ویتنام و کوبا و کره و نیز کشورهای که بخشی از آنها ست گیری قاطع ضد امپریالیستی و خلقی و بخشی دیگر سمت گیری سوسیالیستی را برگزیده اند و با جهان سوسیالیستی مناسبات دوستانه و همکاری نزدیک دارند (مانند آنگولا، موزامبیک، کینه بیساو، اتیوپی، جمهوری دموکراتیک یمن، افغانستان، الجزایر و سوریه) و جنبش های اصیل رهایی بخش که عملا در جبهه مبارزه علیه امپریالیسم قرار دارند، دوستان و پشتیبانان واقعی انقلاب ایرانند و حاضرند برای شکستن توطئه های رنگارنگ امپریالیست ها به سرکردگی شیطان بزرگ، همه جانبه به ایران کمک نمایند.

چهارمین نتیجه گیری آموزنده برای آن دسته از مبارزان جوان است که دچار گمراهی شده و به دنبال دارو دسته های افراطی چپنا افکارند، این جوانان با شرکت در توطئه ها و اقدامات تحریک آمیز گردانندگان این گروه ها که در خیال خود به انقلاب ایران خدمت می کنند، ولی در واقع در دست ضد انقلاب، به بازی گرفته شده اند.

آنان برداشت خود را تا بحال بر پایه لاطالاتی از این قبیل قرار داده اند، که گویا انقلاب ایران اساسا انقلاب نیست، و همه جریاناتی که در ایران روی داده، بازی های رنگارنگ امپریالیسم است و اشغال جاسوس خانه تنها یک بازی برای منحرف کردن توده ها از مبارزات انقلابی بوده و یا این که هر کسی علیه رژیم کنونی، «قیام» کند، انقلابی است و باید از «قیام» او پشتیبانی کرد. این جوانان، خوب است رویدادهای اخیر را یک بار دیگر، بدون پیش داوری، مورد توجه قرار دهند. آیا در این صورت به این نتیجه نخواهند رسید که همه «ارزیابی» های که گردانندگان این گروه ها به خورد آنان داده اند، درست در جهت همان رهنمودهای برژینسکی به وزارت خارجه امریکا و سیا در زمینه درهم شکستن «همین انقلاب ایران» در جهت تدارک زمینه برای وارد آوردن شریکتهایی نظامی امریکا به انقلاب ایران قرار دارد؟ آیا هنوز می توانند تردید کنند که همین چهار چوب کنونی انقلاب ایران با همه نارسایی ها و کمبودهایش برای امپریالیسم جهاننوار غیر قابل تحمل است و در نتیجه هر اقدام که عملا انقلاب ایران را در همین چهار چوبش ضعیفتر و ناتوانتر سازد، آبی است که به آسیاب امپریالیسم و ضد انقلاب آریامهری - بختیاری ریخته می شود؟

صحنه رویدادهای پانزده ماه گذشته انقلاب ایران، دانشگاهی برای مبارزان راستین راه خلق به وجود آورده است. جای آن دارد که همه مبارزان راستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، امه از رهبران و افراد ساده این جبهه نبرد، در این دانشگاه بیاموزیم و ارزیابی های نادرست خود را بر پایه مبارزاتی نوین تصحیح نماییم. تنها از این راه می توان بسوی اتحاد و تفاهم همه نیروها در جبهه متحد خلق گام برداشت، جبهه ای که در آن، طبق رهنمود امام خمینی، پیروان همه مسلک ها گرد هم آیند و بر پایه برنامه مشترک، نبرد دراز مدت علیه توطئه های بی شمار امپریالیسم جهانی را سازمان دهند.

حزب توده ایران همان فرادی پیروزی انقلاب، در اولین ارزیابی و تحلیل خود از انقلاب آینده آن بدرستی پیش بینی کرد که امپریالیسم امریکا با پشتیبانی همه کشورهای امپریالیستی تمام نیروی خود را برای ناکام ساختن این پیروزی تاریخی مردم ایران به کار خواهد انداخت.

حزب توده ایران علی رغم ناسزاها و اتهامات کوتاه نظرانه گروه های چپ گرا و انقلابی ناکام مدعی شدند انقلاب ایران با شکست روبرو شده است، در ارزیابی خود بر آن بود که انقلاب ایران با وجود همه کمبودها و نواقص و نارسایی های انقلابی است عمیقاً خلقی و ضد امپریالیستی، ضربهای کاری و مهلک بر پیکر امپریالیسم جهانی در یکی از مهم ترین و شاید مهم ترین منطقه استراتژیک برای امپریالیسم.

حزب توده ایران بر پایه همین ارزیابی به این نتیجه رسید که امپریالیست ها برای ناکام ساختن انقلاب ایران، در همین اوضاع، تمام امکانات خود را به کار خواهند انداخت و برای سازماندهی نیروهای ضد انقلاب و آماده ساختن آنان به منظور وارد آوردن ضربه کاری از تمام راه ها و شیوه های ممکن استفاده خواهند کرد.

در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران که چند روز پس از پیروزی انتشار یافت و در روزنامه کیهان مورخه ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ منعکس گردید اعلام شد که ۱۳۵ نفر از کارشناسان خراب کاری و توطئه وابسته به «سیا» با گذرنامه های جعلی از کشورهای اروپای غربی برای سازماندهی ضد انقلاب، ساواکی ها و افسران سرسپرده به امریکا و شاه برای بیرون بردن مستگاه های بفرنج جاسوسی امریکا برای فرار دادن جاسوسان شناخته شده امپریالیست ها مانند بختیار و مجیدی و تزیه و مقدم و نظایر آنان به ایران اعزام شده اند. تجربه زندگی درستی این اطلاعیه مهم و بیدارباش حزب ما را نشان داد. تجربه این را هم نشان داد که آن سیاستمدارانی که حزب ما را به تحریک علیه امریکا متهم می کردند و منعی بودند که امریکا انقلاب ایران را درک کرده، خواستار برقراری روابط دوستانه با انقلاب ایران است؛ یا سیاستمداران نزدیک بین، یازشکاران درمان - ناپذیری بودند و یا مانند امپریالیست ها و دریادار علوی ها و تزیه ها و مقدم مراغه ای ها و یارانانش که مسلما هنوز هم در مهم ترین مقامات سیاسی و نظامی جا دارند، مامورین خان قدرت های امپریالیستی و در درجه اول امپریالیسم امریکا بوده اند.

دومین نتیجه ناشی از این مرحله سیاست امریکا، شکست نظریه هواداران وجود یک «نیروی سوم» در جهان کنونی در سیمای اروپای غربی و ژاپن و برخی کشورهای دیگر بود که گویا علیه «دوایر قدرت» مبارزه می کنند.

حزب توده ایران همواره در طول این پانزده ماه در تمام تحلیل ها و موضع گیری های سیاسی اش از این واقعیت دفاع کرد که دشمن اصلی ایران مجموعه اردوگاه امپریالیستی است. این ارزیابی حزب ما هم کاملا درست از آب درآمد. بودند و هنوز هستند عناصری در مقامات مسئول جمهوری اسلامی که در عین شناخت امریکا به منابه دشمن اصلی، خیال می کردند و شاید هنوز هم خیال میکنند که کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن به دنبال امریکان خواهند رفت و از «زیاده روی های» سیاست امریکا پشتیبانی نخواهند کرد. حساب این سیاستمداران هم به کلی نادرست از آب درآمد. آن ها حساب می کردند که چون اروپای غربی و ژاپن از امریکا پشتیبانی نخواهند کرد، امریکاجرگشت اقدامات شدید یک جانبه علیه ایران نخواهد داشت. خوش بآوری و خوش خیالی و سیاست «آسوده بخوابید»، محصول همین ارزیابی نادرست سیاسی بود.

ولی ارزیابی حزب توده ایران این بود که انقلاب ایران امپریالیسم جهانی را در مجموعه اش با خطری جدی روبرو کرده است. منطقه کشور ما، هم از لحاظ ذخایر عظیم نفتی و هم از لحاظ موقعیت سوق الجیشی برای امپریالیسم جهانی دارای اهمیت حیاتی است. امپریالیسم جهانی از هر اقدام چنانچه آمیز سر کرده خود، یعنی ایالات متحده امریکا، برای برقراری مجدد سلطه شوم خود بر این منطقه، پشتیبانی خواهد کرد.

ارزیابی حزب توده ایران بر این پایه بود که درست است که امپریالیسم امریکا دشمن اصلی انقلاب ایران است، ولی امپریالیسم امریکا سر کرده امپریالیسم جهانی است و علی رغم رقابت هایی که بر سر تقسیم ثروت های غارتی جهان بین امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن و امریکا وجود دارد و می تواند در دوره های معین و در چارچوب معینی شدت یابد، این کشورها در عمده ترین مسائل مربوط به استراتژی جهانی امپریالیسم یار و پشتیبان یکدیگرند. به همین جهت انقلاب ما با تمام دنیای امپریالیستی و مستشاران و دست نشاندهگان آن روبرو است و این دنیا عبارت است از: ایالات متحده امریکا، کانادا، اروپای غربی و ژاپن، استرالیا و زلاند جدید، اسرائیل و افریقای جنوبی، کشورهای دست نشانده «جهان سوم» مانند مصر و پاکستان و عربستان سعودی و ... و همچنین چین مائوئیستی که با این جبهه جهانی سازش تنگینی کرده است.

رویدادهای هفته های اخیر درستی این ارزیابی ما را در تمام ابعادش به ثبوت رسانید و بی یابگی و بی مابگی نظریات گمراه کننده در باره وجود یک «نیروی سوم» را یک بار دیگر مورد تأیید قرار داد.

نامه پالیزبان به شاه برای تجهیز عشار «شاه پرست» کردستان ای روز مبدا که اصل آن در اختیار ما است و همین روزها منتشر گردید، روشن ترین دلیل این تدارک دراز مدت است. در تدارک همین نقشه است که همان فرادی پیروزی انقلاب، امپریالیسم امریکا ستیاری سایر امپریالیست های غربی و ژاپن صدها نفر از خراب - اران مامور «سیا» را به ایران اعزام می دارد تا ضد انقلاب را از زمان دهند و برای وارد آوردن ضربه ناگهانی در لحظه «موعود» آماده سازند.

در تدارک همین نقشه است که گروه های وابسته به ساواک، افسران سپرده ارتش و پلیس و ژاندارمری گروه های مخفی خود را آماده سازند. در تدارک همین نقشه است که سازمان های سیاسی مانند رپ خلق مسلمان، کومله، گروه های چماق دار راست و «چپ» شعارهای دروغین «مذهبی» و یا «موراء چپ» مانند قارچ برویندو و وظیفه ای جز تحریک و آشوب و خراب کاری در برابر مردم قرار نمی دهند.

در تدارک همین نقشه است که ضد انقلاب و امپریالیسم به با کار فتن همه عناصر مخفی خود در سازمان های سیاسی و گروه های می تلاش می کنند تا آنجا که ممکن است، تخلف نافرمانی را به تنهایی و مسلمانان و مارکسیست های واقعی پشتیبان انقلاب ایران، بلکه ن خود گروه های مسلمان متعهد حتی میان گروه ها و عناصر شرکت به در رهبری انقلاب، بی نشانند و همه را به جان هم بیندازند. در تدارک همین نقشه است که عناصر وابسته به ضد انقلاب داخلی امپریالیسم که در مستگاه های دولتی مقامات حساس را دارند با ک توده ها، سرمایه داران، خراب کاران و ساواکی ها که در چا حضور دارند، می کوشند تا چرخ اقتصاد کشور را همه جانبه کنند و باین کار ناخرسندی توده های مردم را دامن زنند و آنان را انقلاب روگردان سازند.

سخن کوتاه، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکای جهان - اکنون به مرحله تجاوز آشکار علیه انقلاب ایران گام نهاده به امکانات جهانی خود را برای بازگرداندن رژیم گذشته یا نظیر آن و احیاء مجدد سلطه غارت گرانه خود تجهیز مینماید. درست است که با وجود جبهه نیرومند ضد امپریالیستی در جهان کشورهای سوسیالیستی سترگ عمده آن را تشکیل می دهند، ولی هم نمی تواند همه امکانات نظامی و اقتصادی و سیاسی خود کار ببرد، ولی معذالک با در نظر گرفتن ضد انقلاب سازمان در داخل کشور و ضعف های ناشی از نارسایی ها و ندانند کاریها، فشار طلبی ها و نزدیک بینی های برخی مقامات مسئول، هنوز لیسم امکانات زیادی در اختیار دارد. نباید دشمن را کوچک تر

چه هست، به حساب آورد. برای درهم شکستن توطئه جبهه متحد دشمنان انقلاب باید نیروهای انقلاب را، علی رغم همه دشواری ها، پیش داوری ها لاف نظریات سیاسی و مسلکی، توتوت نمود. باید انقلاب را در همه زمینه ها، هم از لحاظ داخلی، و هم از خارجی مستحکم کرد. باید پشتیبانان راستین انقلاب را در شناخت و با گسترش مناسبات دوستانه بر پایه حقوق برابر با گام برداشت.

ایند دستگاه دولتی و به ویژه نیروهای انتظامی را از عناصر به جبهه دشمن پاکسازی کرد، تنها عناصر آگاه، استوار و دانه هوادار انقلاب را در مقامات مسئول و حساب بر گمارد. باید ستون پنجم امپریالیسم و ضد انقلاب را دقیقاً شناسایی کرد و قاطع سرکوب نمود. هر گونه تزلزل و ناپی گیری در این نواند پیامدهای خطرناک و جبران ناپذیر داشته باشد. بد هر چه زودتر در جهت حل مشکلات بزرگ زندگی اجتماعی دی، مانند مسئله ارضی، گرانی، بیکاری، به راه انداختن ی اقتصاد، بالا بردن تولید، حل مسئله ملی و پایان دادن به جنگ نی گام برداشت و شرایط را برای شرکت هر چه وسیع تر و همه نیروهای خلق در دفاع از انقلاب فراهم آورد.

ون تردید این اقدامات در مجموعه خود ضروری هستند و در انجام این اقدامات، انقلاب ایران را در این یا آن زمینه پیش گیری های لازم بعمل نیاید، ضربه پذیری می سازد. امپریالیسم جهانی برای درهم شکستن انقلاب ایران یک یا هوس زودگذر و ناشی از سرخوردگی های موقتی نیست، جنبشی دراز مدت است. بایستی برای مقابله با چنین نقشه های اقتصاد، بالا بردن تولید، حل مسئله ملی و پایان دادن به جنگ نی گام برداشت و شرایط را برای شرکت هر چه وسیع تر و همه نیروهای خلق در دفاع از انقلاب فراهم آورد.

چ آموزش دند و رویدادهای اخیر ایران

تحلیل کلی که بگذریم، رویدادهای اخیر که نشان دهنده ماهیت واقعی سیاست امپریالیسم نسبت به انقلاب ایران چ بسیار آموزنده ای را در اختیار همه مبارزان راستین راه آزادی و پیشرفت اجتماعی قرار می دهد.

ن نتیجه بسیار مثبت این مرحله از سیاست امپریالیستی ب ایران، این بود که سیاست سازشکاران را با شکستی ویرود ساخت. مردم ایران دانستند که این سازشکاران که در چهره کریمه امپریالیسم امریکا، یعنی همان شیطان با ماسکی از سیمای فرشته پوشانند و با بهره گیری از هر انقلاب ایران را از ست اصلی و بنیادی خود که از نظر نام خمینی، برانداختن کامل سلطه همه جانبه امپریالیسم منحرف سازند و این دشمن اصلی را پشت پرده نگه دارند، خیالی به نام کمونیسم برای انقلاب ایران برنشانند. مردم ترده مایی که از انقلاب ایران می گذرد در چند مرحله ن این بودند که چگونه امپریالیسم امریکا با کمک و امل خود در هیئت حاکمه و گروه سازشکاران لیبرال بود را از زیر ضربه اصلی انقلاب ایران بیرون بکشد و از در رانده شد، باز کوشید تا از بنجره و حتی راه آب ه خانه سازد.

نیتا اگر برای سازشکاران و تسلیم طلبان غیر منتظره قع بینان در سیاست ایران کاملا طبیعی و قانونمند بود.

ودمو کراتیک ایران در جبهه متحد خلق

استاد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشر در نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیع ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید، در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میسر انقلابی است

بررسی اسناد لانه جاسوسی آمریکا

توطئه گسترده امپریالیسم آمریکا، خطری که هیچگاه نباید آنرا فراموش کرد

در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۵۸ «سفارت ایالات متحده آمریکا» و این لانه جاسوسی و مرکز هدایت توطئه‌های ضد انقلابی، علیه انقلاب ایران و دیگر جنبشهای انقلابی در منطقه از سوی گروهی از جوانان مسلمان مبارز و پرشور با نام «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» تصرف درآمد و عده‌ای جاسوس و مزدور به گروگان گرفته شدند.

این اقدام انقلابی چون بمب‌جهان را لرزاند. تصرف مرکز فعالیتهای مخرب و ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا در ایران به مثابه ضربه مهلکی بر این فعالیتها در ایران بود.

بهره‌گیری از خط سازشکارانه لیبرالها

از مدتها قبل از به‌تر رسیدن انقلاب از جمله راه‌هایی که به‌منظور انحراف جنبش، مورد توجه شدید امپریالیسم آمریکا قرار داشت استفاده و همکاری با یک خط میانه و سازشکارانه بود. در این رابطه سولیوان سفیر پیشین آمریکا در ایران قبل از پیروزی انقلاب طی نامه‌ای محرمانه به واشنگتن متذکر گردید:

«گروههای مختلفی از مردم هستند که شدیداً خواستار یافتن یک راه‌حل سازشکارانه که همان مابعد نشان و جلوگیری از پیروزی کامل خینی شود هستند. بسیاری از افراد، توسط ما، متقاعد شده‌اند که کمونیستها تدریجاً نفوذ دولت (آینده) را بدست خواهند گرفت. با وجود این که نقش نسبتاً کمی در مخالفتها و قیام فعلی دارند. از طرف دیگر مردم میخواهند که از آنچه که در اجتماع (کمیته‌ها) مذهب می‌شود جلوگیری کنند. همه تشخیص داده‌اند تا زمانیکه اوضاع بدین منوال پیش رود اجرای نقش اصلی ممکن است بعهده نیروهای مسلح باشد. سولیوان»

اقتضای امپریالیسم ۲- اطلاعیه افشاکری شماره ۱۲ (صفحه ۳) چند نکته گری در رابطه با این سند اول آنکه، سولیوان معتقد است که گروههای مختلفی از مردم... شدیداً خواستار یافتن یک راه حل سازشکارانه... هستند. آنچه بوضوح آشکار است این است که این «گروههای» مختلف مردم، جز عناصر سازشکار و میانه‌رو که در اکثریت شکننده خود بیان کننده مواضع پیروزی لیبرال مخالف شاه هستند کسی دیگری نمیتواند باشد.

دوم آنکه سفیر آمریکا میگفت: «بسیاری از افراد توسط ما متقاعد شده‌اند که کمونیستها تدریجاً امور دولت آینده را در دست خواهند گرفت». این افراد (سخوان سازشکاران) توسط ما (سخوان سب) متقاعد شده‌اند که... بقول معروف «کمونیستها دارند می‌آیند» این نیز یکی از تراه قدیمی امپریالیسم است. تری که با علم کردن خطر موهوم کمونیسم سعی میکند تا شرایط یک سازش را تدارک ببیند، تری که آمریکا سعی در باوراندن آن دارد و متقاعد شدن به آن افتادن در دام دشمن است که میخواهد خطر خودش را مخفی کند.

سوم آنکه، جلوگیری از ارتجاع مذهبی توسط ارتش، یعنی اعمال یک کودتای آمریکائی، در صورتیکه خط میانه نتواند قدرت را در دست گیرد. و این همان عملی است که هنوز هم شاهد اجرای آن بصورت تجاوزه در کویر طیس و توطئه در پایگاه همدان هستیم.

بد نیست به این تحلیل که پس از ملاقات سولیوان با محمد درخش (از سوی سولیوان) ارائه شده توجه کنیم: «آبادگی وی جهت دنبال کردن خط میانه‌ای که میتواند کشورش را از جهت گیری افراطی که درحال حاضر به‌سوی آن رانده میشود، نجات دهد، مشاور سیاسی و آقای کریستن را تحت تاثیر قرار داد» (همانجا ص ۲) نقش اوچ چنین سیاستی اهدای تخت نخست‌وزیری به اختیار خائن از سوی امپریالیسم آمریکا بود. منتسب مدتی از عمرش نگذشته بود که به‌اختیار از سوی مردم قهرمان سرنگون گشت و بدین ترتیب برده اول اقتدار و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در این زمینه، پایان یافت.

پس از پیروزی انقلاب این سیاست همچنان از سوی امپریالیسم آمریکا - به‌موازات دیگر اقدامات مخرب- دنبال شد تا آنجا که سفارت آمریکا طی گزارشی از ژانویه خود را از خط میانه و سازشکاره چنین بیان کرد: «احزاب میانه و سیاسی ایران که در طول انقلاب فعال بوده‌اند و یک سابقه طولانی مخالفت با شاه را دارند توسط افراد و گروههایی که پیروان یک پیش تنگ نظرانه و انحصارطلبانه از اسلام می‌باشند به‌عقب‌زده شده‌اند. در چند

اقدام انقلابی دانشجویان پیرو خط امام از ۳ جهت قابل بررسی و تعقیب است: اولاً: از یکسو این اقدام ضربه مهلکی برخط سازشکارانه و «گام به‌گام» پیروزی لیبرال ایران که تا سرحد مذاکره با برژینسکی مشاور امنیتی کارتر پیشرفته بود، وارد آورد و این توطئه عظیم خائنان برانداز را عقیم گذاشت و از دیگر سوی توانست به مثابه محرکی در جنبش ضد امپریالیستی مردم ایران عمل کند.

ماجه گذشته گروههای میانه‌رو که مایل به یک جامعه‌برابر هستند و چیزی شبیه به دیکراسی اجتماعی غربی(۱) می‌خواهند به‌مسند درآمدند، در حالیکه مستقیماً از آیت‌الله خینی انتقاد نمی‌کنند، انتقادهایشان را درونی یعنی از اشتباهات و شکستهای آشکار رژیم فعلی متمرکز کرده‌اند. موفقیت سیاسی این گروهها هنوز ناپدید و متزلزل است. اگرچه موفقیت احزاب میانه‌رو هنوز خیلی بسی‌حدوم و شکننده است، در هفت‌های اخیر نشانه‌های از زندگی با نشان داده اگرچه بهترین ارگانهایشان شامل روزنامه آینه‌نگار و مجله شوخ -هنگر- به ماه آگوست توفیق شد آنها شروع کرده‌اند به انتشار روزنامه‌های کوچک دیگر. (افشاکری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - کیسان ۵۸۱۶۲۱۸)

در همین رابطه از جمله اسناد دیگری که از لانه جاسوسی بدست آمده و توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام انتشار یافت، نامه‌ای است تحلیلی که در تاریخ ۴ اکتبر ۲۹ مطابق ۱۲ مهر ۵۸ نوشته شده است در آغاز این نوشته چنین آمده:

«در ابتدای دوچشم ماه اقامت در تهران ممکن است برای من و شاید هم برای شما مفید باشد که تحلیلی از اوضاع کنونی آمریکا در ایران، بایست انجام داد. بگویم» (جمهوری اسلامی ۵۹۳۳۲۶) نویسنده در ادامه تحقیق خود می‌نویسد: «بطور خلاصه انقلاب علیه برترتیا و غربی شدن سریع رخ داد. بنظر من هنگام تحکیم بخشیدن به منافع آمریکا از طریق گفتگو با ایرانی‌های بانفوذ باید مسئله بالا را در نظر داشت. البته میل برای ارتباط وجود دارد» (همانجا) نویسنده در ادامه می‌افزاید:

«در جامعه‌ای که دوران یک انقلاب را پشت سر گذاشته و هنوز هیچ فرم ثابت و مشخصی به‌خود نگرفته و همچنین شامل حاشیه‌نشینان انقلاب می‌باشد از این حاشیه‌نشینان، هیچکدام، انتظار نرود تا وقتی که این اسلامی‌ها از حمایت توده‌ها برخوردارند، بتوانند حرکتی در جهت دست گرفتن قدرت بکنند. یک تحلیل خوب عبارت است از مخالفین گروه‌ها که روی عدم توانایی ملاحظه در اداره یک جامعه در دنیای قرن بیستم حساب می‌کنند، که بتدریج شانس در دست گرفتن قدرت را به آنان بدهد یا حداقل بتواند بصورت ویژه‌ای برای تصمیم‌گیری‌ها اثر بگذارد، چون آنها مهارت اینکه از پس مسائل اقتصادی یا فشارهای امنیتی برآیند را ندارند» (همانجا)

نویسنده به منظور روشنتر شدن مطالب چنین ادامه می‌دهد: «اگر در ترویج تحلیل‌قبل تصور صحیح و دقیقی از شکل نفوذ در ایران پس از انقلاب باشد، دفتر همکاری بین‌المللی آمریکا با افراد زیر مواجه است:

«روحانیون و سیاستمداران غیرروحانی که ابزار حکومت را بعهده دارند و تشکیلات شبه‌حکومتی را اداره می‌کنند، دهریان گروههای شبه‌نظامی، جریان ارتش، مسدیران، تکنیسین‌های غربی، سیاستمداران لیبرال، رهبران چپی تندرو، رهبران قومی و منطقه‌ای، محصلین و معلمان، وسایل ارتباط جمعی که روی همه این گروهها اثر می‌گذارد و بالاخره توده‌ها» (همانجا)

نویسنده سپس به فعالیت‌های شبکه‌ای که او متعلق به آن است و تحت نام دفتر همکاری فرهنگی بین‌المللی آمریکا فعالیت می‌کند، اشاره کرده و از جمله می‌نویسد: «در هفت‌های اخیر مستی‌هایی ما عبارت بودند از: گزارشات عینی و علمی را در شبکه تلویزیون ملی جای تأدید»

به حساب بانک انجمن ایران و آمریکا در شیراز دسترسی پیدا کردیم و از فرماندار شیراز برای باز پرس گرفتن ساختمان ایران و آمریکا در شیراز کمک گرفتیم» - کادر انجمن ایران و آمریکا را دوباره متشکل

منظور لیبرال‌هایی که از قدرت بطور افتخارمند - نامه مردم»

کردیم و برنامه‌هایمان فقط شروع تدریس انگلیسی است. - با درخواست وزارت امور خارجه برای اطلاعات در مورد روابط کوبا با دیگر کشورهای آمریکا لاین پاسخ دادیم. این مطلب قسمتی از تلاش وزارت امور خارجه برای آماده شدن در کنفرانس کشورهای غیرمتحد در هانوا بود. «کپ‌های از قانون اساسی آمریکا به فارسی و انگلیسی و در پاسخ به درخواست آن از طرف دفتر مجلس خبرگان که مسئولیت جمع‌آوری اسناد قابل استفاده برای مجلس را که هم‌اکنون دست‌اندرکار تهیه قانون اساسی برای ایران می‌باشند تهیه شده» (همانجا)

چنانچه صلاحه می‌شود آنچه در این زمینه مورد توجه نویسنده گزارش قرار دارد عناصری چون «گروههای شبه نظامی، رهبران ارتش، تکنیسین‌های غربی» و... هستند. وی معتقد است که آنان می‌توانند شانس گرفتن قدرت را داشته باشند و یا حداقل بصورت ویژه‌ای برای تصمیم‌گیری اثر بگذارند» و بدین‌سان است که سازمان جاسوسی «سب» با عناصری چون مقدمه‌براشه‌ای، امیر انتظام، علوی‌ها و... در ارتباط مستقیم قرار می‌گیرد تا شانس گرفتن قدرت را تضمین کند:

در افشاگری‌هایی که از سوی دانشجویان پیرو خط امام در رابطه با فعالیت‌های امیرانتظام و مراغه‌ای منتشر شده، در این باره بتفصیل سخن رفته است. در رابطه با ارتباطات لانه جاسوسی عوامل امپریالیسم، سندی از سوی دانشجویان افشاکری یافت که مربوط است به شخصی به نام مهدی روغنی. این سند که نامه‌ای است از سفارتخانه آمریکا در تهران به‌ویژه امور خارجه، ورس در مورد این شخص می‌گوید:

«روغنی مایل است که با پرشت صحبت کند و ممکن است به گفتگوهای محرمانه با دیگران نیز تمایل کند. وی به‌ت رابطه‌اش با امام خینی می‌تواند منبع اطلاعاتی مفیدی از اطرافیان خینی باشد» (افشاکری امپریالیسم ۲) (جالب اینجاست که بنا به همان سند «خواداد روغنی بدت ۲۷ سال آینده فروش ماشین‌های کارخانه خود را در ایران پیش‌خرید کرده‌اند»)

در یکی دیگر از اسناد منتشره از سوی دانشجویان نقطه‌نظرهای دستگاه‌های جاسوسی آمریکا روشن‌تر بیان شده است و این‌سند متکافی را که باید در ملاقات با دکتر یزدی مورد توجه قرار گیرد مورد بررسی قرار داده است. در این سند از جمله آمده:

«جنبه دیکراتیک و رهبری آن به‌عنوان ضدانقلاب مارک زده شده و به عضوهای مخالف دیگر نیز به این‌وسیله آگاهی داده است... آمریکا هنوز از طرف خینی، عامل کمک‌کننده اصلی سیویلیسم برای عقیم گذاشتن انقلاب فلسطین معرفی و محکوم می‌شود... روحانیون در حال صعود هستند بنظر من - رسد که هیچ چیز وجود ندارد که بتواند بر آنها در تنظیم قانون اساسی تاثیر کند. نه ارتش، نه به‌ختیار در یاری، نه‌بازگانان دیگر میانه‌روها در دولت‌وقت، نه ناامیدی‌عمومی مردم نسبت به دستاوردهای ما» (جمهوری اسلامی ۵۹۳۳۳۱) این سند گویای این واقعیت است که امپریالیسم آمریکا سعی دارد عناصر سازشکار را که احیاناً می‌توانند در مقابل روحانیون بایستند و مانع «صعود» آنها شوند بخود جلب کند. از سوی دیگر در همین سند نقش مخرب جنبه دیکراتیک ملی آشکار شده است.

استفاده از عناصر میانه و سازشکار از یکسو و عاملین امپریالیسم در ارگانهای لشکری و کنسولی تنها یکی از راه‌هایی است که طی آن امپریالیسم آمریکا سعی می‌کند تا از دیون، جنبش فدائیمپریالیستی مردم ایران را از هدف اصلی خود منحرف کند و آنرا با این‌بست مواجه سازد. امپریالیسم آمریکا و دستگاه‌های جاسوسی او دربرابر بردن دیگر شیوه‌ها نیز مهارت دارند. به بررسی‌های خود ادامه می‌دهیم.

استفاده از عناصر رژیم سابق جهت تخریب و تحریک

در یکی از سندهای منتشره از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که نامه‌ای است محرمانه از لیکن - «از سفارت آمریکا در تهران» به وزارت امور خارجه - واشنگتن ردی‌سسی، به شخصی بنام فریدون افشار اشاره شده است در این‌سند آمده:

«در هشتم آگوست فریدون افشار حواری با کاردار تماس گرفت و درخواست ملاقات کرده... افشار گفت چنین وضعیتی برای آنچه که او تصمیم گرفته انجام دهد؛ ایده‌آل است. او گفت که استخدام نیروی در حدود ۲۰ هزار الی ۳۰ هزار نفر در آذربایجان ساده خواهد بود و می‌تواند آنها را در منطقه کرستان جایی که هیچکس نیست، آموزش دهیم و بعداً آنها را به شمال غربی ایران بفرستیم. او گفت که... اگر ترک‌ها شمال غربی و تهران را محاصره و اداره کنند متناقض غیراقلیت فارس‌ها به آنها در خلع‌ید کردن مذهبی‌ها در بقیه کشور خواهند پیوست. لیکن (سفیر آمریکا در ایران) پیش از اشغال لانه جاسوسی سپس می‌افزاید:

«نظریه افشار یکی از مهمترین برانگیزنده احساسات در توطئه است که با بحال مشاور سیاسی سفارت ملاقات کرد. افشار یکی از متفحصین آموزش می‌باشد... او بدقت ضعف دشمن را محاسبه کرده» (کیهان ۵۸۱۲۳۲)

یکی دیگر از اسنادی که حکایت از ارتباطات جاسوسی‌خانه این مرکز توطئه با عوامل خود می‌کند، سندی است به‌این‌مضمون: «مامور سیاسی سفارت شیراز با یک ارتش شافل ایرانی

کنند، در اینگونه مواقع میتوان به‌راستی برای سهولت و سرعت کار، عکس سیاه وسفید و فیلم رنگی را برای ما بفرستید.

۴- در بسیاری موارد، از محلاتی که گزارش آنها تهیه و در روزنامه چاپ شده است، برای ما گزارش می‌رسد، برای مثال تاکنون ۴ گزارش درباره محله زینان شمالی، که گزارش آن قبلاً در روزنامه چاپ شده، برای ما فرستاده شده است. تهیه این قبیل گزارش‌های تکراری تنها سبب هدر رفتن وقت می‌دهد.

۳- در عکس‌هایی که از محلات تهران و زون‌های زحمتکشان بر می‌آید ما می‌رسد، اغلب تنها عکس خانه‌ها، کورها، ویرانی محله گرفته شده است. این عکس‌ها لازم است، اما کافی نیست، در محلات قز باید عکس آسانهایی که در آن شرایط زندگی میکنند نیز گرفته شود. ویژه تهیه عکس زحمتکشان که هنگام تهیه گزارش‌ها آنها گفتگو می‌شود، عکس لازم است. در گزارش‌هایی که از زندگانی زحمتکشان، بویژه کارگران ودق‌تازان تهیه می‌شود، باید حتماً به‌تهیه عکس آنها هم‌کار و تصویر

و یکی از اقوام او که کاملاً کامل به‌اراض و احوال انقلاب داشته می‌گذراند، دوستان قدیمی این دفتر بواسطه تغییراتی که صورت گرفته ناراحتند ولی فامیلیشان در حکیم بخشین وزیر فعلی، تلاش زیادی می‌کنند. میزبان این شب‌نشینی و شام یک سروان شهرستانی است که قبلاً به‌شرکت هلیکوپتر پلیس ملی انتقال یافته است. در مدت انقلاب بعنوان خلبان نخست وزیر (بازرگان) و دیگر افراد کابینه انجام وظیفه کرده و کارش بیشتر بردن نخست وزیر و اعضای کابینه به‌نم‌برای انجام باره‌ای مذاکرات، بوده است. این‌شخص که چندین بار خواستار برکناری از کارش شده بوده است، فردی است خند آخوند و معتقد است که آخوندها باعث ویرانی مملکت میشوند. وی اعضای کابینه دولت موت را آلت افراد مذهبی خوانده است. این شخص آنگاه اطلاعات دیگری را جمع به ارتش و شهرستانی در اختیار می‌دهد. پسر زن این سروان که یک تیمسار بازنشسته و مقام‌های ارتش و یک گرد است، ۱۲ سال قبل بازنشسته شده ولی این‌امیر باعث نشده که در رژیم فعلی زندانی نشود. او ۴۱ روز در زندان بوده و همه هم‌سول‌هایش اعدام شده‌اند. زندانی شدن وی مصادف شده است با انتصاب دامادش بعنوان خلبان هلیکوپتر نخست‌وزیر و انتصاب پسرش بعنوان سرکنسول ایران در باکو. تیمسار از رفتار خوب زندانیان و مسئولان زندان نسبت به خودش اظهار رضایت کرده و سرانجام موفق شده از زندان آزاد شود. این تیمسار بازنشسته در طول شب‌نشینی آتشب پای تلفن احضار شده بود. و هرگاه که بازیگشته، اوضاع پاورها فوق‌العاده بدگوارش می‌گردد است. وی در ادامه صحبت‌هایش به داشتن رابطه نزدیک با «پایزبان» اشاره کرده‌بوده و اینکه جز «پایزبان» با افسران بازنشسته دیگر نیز رابطه داشته است. این رابطه می‌رساند که این گروه افسران با تعدادی از افراد رسمی ایران ارتباط داشته‌اند و مده‌ای از آنها را فراری داده‌اند، از جمله بعضی از آنها اعتراف کرده‌اند که تیمسار میسر می‌تواند این مده فراری داده شده و وی پس از خروج از ایران به‌ترکیه رفته و در آنجا با یک انجمن بین متکی رتک که قبلاً انتظارش را میکشیده است، گریخته است. مبلغ پرداختی برای فرار تیمساران و استفاده از پاسپورت سیاسی که در حدود ۴۰ هزار تومان بوده است - یکی از مهمانان شرکت‌کننده در این برنامه اظهار کرده است که میسر پس از فرار از ایران با «همراه رئیس سابق» و سفیر اسبق آمریکا در ایران ملاقات کرده و «همراه» به سفارت آمریکا در ایران تلفن کرده و خواستار صدور ویزای برای نامبرده بوده (کیهان ۵۸۱۲۳۲)

از جمله طرح‌هایی که در ارتباط با این فعالیتها از سوی دستگاه‌های جاسوسی آمریکا چون «دفتر همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی آمریکا» به‌منظور مقابله با انقلاب ارائه شده، طرحی است که در آن از جمله بر فعالیت ذیل تاکید شده است: «تحریک نیروهای نمرکز یافته از طریق تشدیداراضی‌های منطقه‌ای قومی ایران در جهت تخریب و اردگردن در اقتصاد سنی ایران و بخصوص تعطیل مناطق نفتی در صورتی که سا آنها باندازه کافی بطرز فطری روبرو شدند. و نکته اصلی هم‌بجاست» (جمهوری اسلامی ۵۹۳۳۵۲)

منابع خبری و اطلاعاتی امپریالیسم آمریکا

در یکی از اسناد (افشاکری شماره ۱۷) که از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام منتشر شده، سرچنگ شیفر در مورد ارتباطات و گرفتن اطلاعات، طی نامه‌ای بتاريخ ۱۸ سپتامبر ۷۹ مطابق ۵۸ شهریور می‌نویسد:

«بخش صدور ویزا می‌تواند بعنوان وسیله‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی مورد استفاده قرار گیرد. ادعای که معمولاً دسترسی به آن از راه‌های دیگر امکان پذیر نیست. باید توجه داشت که صدور ویزا مورد استفاده شخصی امرار قرار نگیرد. افراد تهاوتی برای ما مهم هستند که اطلاعات جاسوسی بازرسی فراهم نمایند و پاراه برای رسیدن به این اطلاعات ارائه دهند»

شیفر افرادی را که می‌توانند تقاضای ویزا کنند و بدین ترتیب در ارتباط باشیکه‌های ارتباطی لانه جاسوسی قرار گیرند، چنین نام می‌برد: (افشاکری امپریالیسم ۲)

«افراد ارتش، زانده‌امری و شهرستانی ایران که از سرگرد به بالا باشند. افراد هواپیمای کنسولی، افراد دیپلمات درجه یک ایرانی یا خارجی که با دفتر و ایستگاه نظامی آمریکا همکاری مستقیم داشته باشند» (همانجا)

بدین ترتیب لانه جاسوسی از طریق پوشش صدور ویزا اطلاعات لازم را از منابع خود که همان «افراد بالای ارتش»... هستند بدست می‌آورد. بدون شك در این ارتباطات روش‌های لازم جهت اقدامات تخریبی و... صادر می‌شده است.

در یکی دیگر از اسناد (اطلاعیه افشاکری شماره ۱۶) در مورد این منابع خبری می‌نویسد که:

«مواقب نامطلوب تیره شدن روابط ایران و آمریکایی از منابع اطلاعاتی خوب ما را از بین برده است... باید دید به‌جای گمانی که با مامورهای داشته و در ماه آینده ایران را ترک خواهند کرد چه تعداد از ایرانیان با مامورهای خواهند کرد. همانجا ص ۱۱) و بعضی از ایرانیان خبری در تهران اشاره کرده‌اند به این که سوم ظن همکاری و دوستانشان نسبت به آنان رو به افزایش است. جایی که افراطیون، روشنفکران را از موضع ضد امریکائی مورد حمله قرار می‌دهند. اظهار که یکی از منابع خبری گزارش می‌دهند، حتی گمانی که بیشتر در جریان کار قرار دارند؛ با این موج می‌روند» (همانجا ص ۱۲)

اظهارات فوق گویای وجود شبکه‌های وسیع ضد انقلابی است که قبلاً از تسخیر لانه جاسوسی در ارتباط با این مرکز به فعالیت‌های خود مشغول بودند و بیشک هم‌اکنون نیز در ارتباط با مراکز دیگری به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

چهره آنها توجه داشت. اینگونه عکس‌ها باید زنده و هنگام کار گرفته شود. تا بتواند نحوه فعالیت زحمتکشان را نشان بدهد.

۳- اغلب عکس‌ها و فیلم‌هایی که هم‌اکنون گزارش‌ها و اخبار می‌رسد، فاقد شرح است. حتماً لازم است پشت هر قطعه عکس توضیح کافی در مورد آن داده شود. اگر فیلم را برای مامور می‌فرستیم، در نامه‌ای همراه فیلم به‌حسب شماره فیلم توضیحات آنرا بنویسید.

۵- مشخصات دقیق محلات قز، و در صورت امکان، محل قرار گرفتن آنها را در شهر روی نقشه ترسیم کنید. ۶- هم‌گزارش و خبر باید شامل تاریخ روی دادن آن و نام شهر، روستا، کارخانه و محلی باشد که گزارش‌ها یا خبر از آنجا تهیه شده است. ۷- برای آنکه اشتباهی بخصوص در اسامی اشخاص و محله‌ها روی ندهد، اسامی دیوار بزرگ و کاملاً خوانا نوشته شود. ۸- گزارش‌ها و اخبار در یک طرف صفحه و با خط خوانا بنویسید، اگر با ماشین تحریر باشد چه بهتر. نامه مردم»

نامه مردم»

نامه مردم»

قابل توجه خبرنگاران نامه مردم در شهرستانها

هر روز دهگان اردش و صدها خبرنگار از سراسر ایران که توسط رفقای حزبی و یا هواداران حزب توده ایران تهیه شده است، به نامه «مردم» می‌رسد. ما ضمن تشکر از همه خبرنگاران نامه مردم، رفقا و دوستان حزبی، خواهانیم که برای بهتر شدن گزارش‌ها و اخباری که بدست خواهند گام نامه مردم می‌رسد و همچنین سرعت بخشیدن بدفع اخبار و گزارش‌ها، حتماً نکات زیرین را رعایت کنند:

۱- اغلب همراه گزارش‌ها، بویژه گزارش‌های محلات فقیر و هم‌راه اخبار، بویژه اخبار تشکیلاتی نمایندگان، عکس‌های رنگی برای ما فرستاده می‌شود. این امر در مورد گزارش‌های کارگری و دهقانی هم صادق است. از آنجا که عکس رنگی در نامه مردم، از نظر فنی قابل استفاده نیست و با هاضافه چاپ و ظهور آنها مدتی طول می‌کشد، لطفاً در درجه اول برای ما عکس و یا فیلم سیاه و سفید بفرستید. توجه می‌دهیم که تهیه عکس رنگی متنی نیست و کسانیکه امکان دارند، میتوانند هر دو نوع فیلم، هر رنگی و هم سیاه و سفید را تهیه

جهاد برای بهتر زیستن



یک نسخه از هفتمین شماره مجله «پیام اقتصاد» از گمان سیاه پاسداران انقلاب اسلامی اخیراً توسط پاسداران انقلاب به دفتر نامه مردم ارسال گردید.

ما ضمن تشکر از ارسال مجله گوشه‌هایی از مطلبی که در این مجله درباره جهاد سازندگی تحت عنوان «جهاد برای بهتر زیستن» در صفحه ۱۱ درج شده است، عیناً نقل می‌کنیم.

جهاد سازندگی که یکی از نهادهای انقلابی جامعه است، هدفش با کارنامه پر بار و قدم به دومین سال حیات خود گذشت. سال گذشته - در اواخر خرداد ماه - در آستانه پنجمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران - با پیام تاریخی امام خمینی، جهاد سازندگی کار خود را - بمسند جوانان مومن و معتقد - در سراسر کشور آغاز کرد.

نگاهی به کارنامه یکساله جهاد روشنگر این واقعیت است که علیرغم همه مشکلات و کمبودهای مالی و فنی، آنجا که دستها می‌ماند در هم فشرده شده است. می‌تواند حتی کوه‌ها را چابقا کند. کمالاتی که جهاد سازندگی در

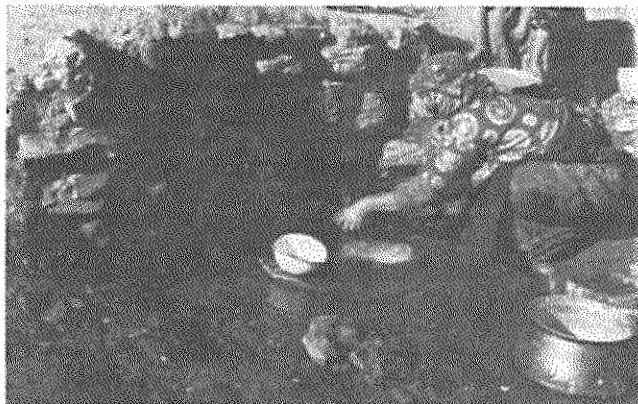
نخستین سال فعالیت با وجود همه کمالاتی مالی و فنی توانسته است در این جهاد پرشور توانسته است حتی در نخستین سال، بسیاری از کمبودها را برطرف سازد تا جایی که کارنامه جهاد را - بحق - باید کارنامه‌ای پررنگ و درخشان تلقی کرد که آینده‌های بسیار بزرگی برای روزها و سالهای آینده برانگیخته است.

بدون تردید جهاد سازندگی در آینده - با رفع کمبودها و نواقص و افزایش امکانات - کارنامه باز هم درخشانتری بدست خواهد داد. به علاوه این امکان را فراهم خواهد ساخت که علاوه بر داوطلبان علاقمند نیروهای ارتش در زمان صلح، سپاه پاسداران و دانش‌آموزان و دانشجویان در تعطیلات برای شرکت در برپائی يك ايران آباد، به سرفوی بهم فشرده رزمندگان جهاد سازندگی جلب و جذب شوند.

لغو بزرگ مالکی خواست زحمتکشان گنده دار است

«تنها منبع درآمد مینی بوسی است که آنهم بعلت فقدان سوخت از کار افتاده، خدا کند هر چه زودتر صلح به کردستان بازگردد.»

فقدان امکانات درمانی موجب ابتلاء بیشتر اهالی گنده دار به بیماریهای زمن چون سل و تراخم شده است.



در این چشمه هم لباسها شسته میشود و هم از آب آن برای آشامیدن و مصارف دیگر استفاده میشود (روستای گنده دار)

از این چشمه استفاده می‌کنیم. وقتی هم که باران می‌بارد این چشمه گل آلود می‌شود ولی بازم ناچاریم از آن استفاده کنیم. از شما می‌خواهیم که خواست ناچار ما را بکشور مسئولین برسانید. در گنده دار روستاهای مجاور آن خانه

به روستای گنده دار می‌رویم. روستایی که در آنجا صلح و خوشبختی و زمین آرزویی زحمتکشان شده است. آرزویی که بحق است و گرامی.

روستا گنده دار ۲۵ خانوار و جمعیتی برابر با ۲۰۴ نفر در ۳۳ کیلومتری مهاباد واقع است. حداکثر زمین زراعتی در این روستا ۲۵۵ هکتار می‌رسد. از ۲۵ خانوار ساکن در گنده دار، ۱۴ خانوار بی‌زمین و بقیه کز زمین هستند. دیمی بودن زمینهای زیر کشت و پائین بودن سطح بارندگی سالانه و فقدان وسایل مدرن کشاورزی عامل میزان کم محصول به شمار می‌آید که این خود خسارت‌های تهر دست را برای امیر امیر مهاباد کرده است. از سوی دیگر این امر موجب محرومیت فرزندان آنان از تحصیل شده است. علاوه بر این معاصره اقتصادی و فقدان سوخت برای ماشین آلات کشاورزی به مشکلات دهقانان افزوده است.

اهالی این روستا از کلیه امکانات، اعم از امکانات اقتصادی، رفاهی، بهداشتی و غیره بی‌بهره‌اند.

روستایان آب آشامیدنی خود را از تنها چشمه موجود در این روستا تأمین میکنند.

در صحبت‌هایمان با روستائیان به نواقص و کمبود زیادی در این روستا می‌رسیم. یکی از آنها بامامیگفت:

«... آقا باور کنید برای تکمیل کارهای خانه، رختشویی و آب‌خوردن، فقط

پاسداری از خرمن‌ها وظیفه ملی و انقلابی است

بزرگ مالکان «آبندان» از دهقانان شکایت کردند!

از روستای «شبه آبندان» از توابع جویبار قائم شهر خبر میرسد: شورشهای اطراف «شکایت» به دفتر امام برده‌اند که دهقانان «مانع» از کشت محصول آنان میشوند! جریان از این قرار است که مالک ده که صاحب ۱۵۰ هکتار زمین است بعد از تقسیم زمینها دست به خرابکاری می‌زند، از جمله: قلم باغبانها می‌تراشد، خانه دهقانان را خراب می‌کند، برق روستا را قطع میکند و... یکی از دهقانان می‌گفت: «ما باید انتقام آنهم ظلم تجاوز را بگیریم و به این ثورداها نشان بدهیم که دوره آنها سرآمده است.»

روستا دارای شورایی است که کلیه امور آن زیر نظر شورا است. وقایع این روستا بازرگانه‌های محرومان را می‌بینی بر ضرورت کوتاه نمودن هر چه زودتر دست بزرگ مالکان، از روستاهای محرومان، تألیف می‌کند.

تخریب اقتصادی اربابان خود و بمنظور تکمیل نقشه حرم آنان دست به فعالیت گسترده‌ای زده است. دهقانان زحمتکش باید که با دقت مراقب و پاسدار محصولات خویش باشند. مقامات مسئول باید ضمن مساعدت به روستائیان در تکمیل از محصولات با کفایتی در اربابان دولتی مانع کارشکنی در امر حفاظت از زمین و مال دهقانان شوند. باید برگیری کرد دیدن کی چرا و چگونه آتش به مزمارع میرساند و آب را از مخزن می‌ریزید.

سپاه پاسداران بتواند يك نهاد انقلابی باید در حفاظت از خرمنها بکوشد و مانع نمائیند تخریبی شد انقلاب شود.

همچنانکه نامه «مردم» بکرات هشدار داده اینک که زمان برداشت محصول فرا رسیده است، شد انقلاب بانام تران خویش در کنار

تأمین کار برای بیکاران از نخستین وظایف دولت انقلاب است

اخبار دهقانی کهبودها را بر طرف کنید

ده زرده یکی از روستاهای بخش کرد از توابع اسلام‌آباد کرمانشاه است. دهقانان تبه‌دست این روستا که از ظلم و ستم مالکان کاسه صبرشان لبریز شده بود اقدام به تنظیم شکایتنامه مستجمعی کردند. مهمترین خواست دهقانان که در این شکایتنامه آمده، واگذاری زمینهای بایر و باغهای مالکان به دهقانان تبه‌دست است. تأسیس درمانگاه، برق‌کشی و لوله‌کشی روستا، ایجاد حمام و سایر امکانات رفاهی خواستهای دیگر این دهقانان ستم‌کشیده را تشکیل می‌دهند.

ضمناً با سوءاستفاده و نفاق‌افکنی بین اهل سنن و اهل تشیع، ضدانقلاب توانسته است تفسان‌های موجود را عمده کرده و در میان دهقانان بدبینی و یاس نسبت به جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند.

وجود مشکلات و نارسائی و نفاق خود زمینه بسیار مساعدی برای فعالیت ضدانقلاب بوجود می‌آورد. باید با اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی مسموم شورای انقلاب بسوی زحمتکشان و تدارک امکانات رفاهی این زمینه خطرناک را نابود ساخت، بویژه در مناطق کردتشتین که عوامل ضدانقلاب از جمله عوامل رژیم بعثی عراق و گروههای چپ‌ها در ایجاد نفاق و خصومت میان مردم نسبت به جمهوری اسلامی و در نهایت به انقلاب کوتاهی نمی‌کنند.

سراب نیلوفر در انتظار رهائی از قید بزرگ مالکی

سراب نیلوفر یکی از روستاهای کرمانشاه است که ۴۵ خانوار را در خود جای داده است. روستائیان زحمتکش این روستا بدفتمات شکایتنامه‌های مستجمعی تنظیم و در آن خواستهای خویش را مطرح ساخته‌اند. خواست اساسی دهقانان تبه‌دست سراب نیلوفر لغو مالکیت بزرگ مالکان است. این دهقانان خواستهای دیگری نیز دارند که عبارتند از ایجاد خانه‌های مسکونی و برق‌کشی و لوله‌کشی روستا.

ضمناً در این روستا يك مرغداری وجود دارد که از پنج ماه پیش تعطیل شده است. این مرغداری ۳۲ آسیانه دارد. مرغداری مذکور بنام مشترک اهالی تحت نظارت اتحادیه است. خواست دیگر دهقانان سراب نیلوفر تجدید فعالیت این مرغداری است. با واگذاری زمین به دهقانان تبه‌دست و اقدامات بنیادی به نفع زحمتکشان باید آنان را از وجود بندهای اسارت بزرگ مالکی رها کنید. این کار با اجرای قانون و قابلیت در افق بزرگ مالکی و تشویق عملی کار تعاونی مرغداری کاملاً ممکن است.

گذری به روستا

روستای «تنگ خیاره» یوسیه دو جاده خاکی (یکی به جاده شیراز - یاسوج و دیگری جاده شیراز - مرودشت)، بشهر شیراز ارتباط می‌یابد. این ۴ جاده حتی از اصول ابتدائی جاده‌سازی بسیار دور است و در برخی نقاط، رودخانه از وسط جاده عبور میکنند و در نتیجه اکثر اوقات رفت‌وآمد بشهر مختل میشود. تنگ خیاره، سابقاً یکی از پرجمعیت‌ترین روستاهای منطقه ییضا بوده (۴۰۰ خانوار) ولی بتدریج اهالی روستا بعلت زورگویی مالک بزرگ و عدم درآمد کافی بشهر کوچ کردند و در حال حاضر در این روستا ۷۰ خانوار زندگی میکنند.

وضع اقتصادی روستا

به تحولات عینی در شرایط تولید و زندگی دهقانان به چشم می‌آید. خورد از یکسو ستم ملی، از دوران سیاه شاه مخلوع، و از سوئی دیگر ستم اربابان، زندگی دهقانان زحمتکش را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. این دهقانان زحمتکش باید در جمهوری اسلامی ایران بتوانند با داشتن وسایل ضروری تولید بدون وجود عوامل فساد در روستاها یعنی بزرگ مالکان و ثورداها با دست‌یابی کامل به فرحک ملی در محیط منطبق با شرایط انسانی زندگی کنند.

قسمت عمده زمینهای تنگ خیاره، در اختیار مالک بزرگ است. همین‌آیزدی (عموی بزرگ کشاورزی سابق) در این روستا ۸۰ هکتار زمین آبی دارد. یکی از دهقانان در مورد اصلاحات ارضی می‌گوید: «ما زحمت کاشته‌ایم و در زمان برداشت محصول ویرانه هم زمان زمینهای ده را باسلاح بین دهقانان تقسیم کرد و بهترین زمینها را در اختیار خود گرفت. و



سالیهای متعددی کاروکوشش برای دیگران. دیگر بدداز انقلاب نمی‌توانند ادامه بندگی را قبول کرد (روستای احمدآباد علیا).

رهائی از بند مالکان خواست طبیعی دهقانان است

مردن کشاورزی از قبیل تراکور، ماشین ۸۰ تن و غیره را در انحصار خود گرفته است. ده با فقدان آب آشامیدنی روبروست. از دیگر مشکلات روستائیان فقدان برق و مدرسه است. بدین خاطر کودکان روستائی بخاطر تحصیل مجبورند مسافت طولانی‌تری تا سفی-آباد طی کنند. این مسافت طولانی و مشکلات دیگر موجب میشوند که کودکان روستایی یا اساساً به تحصیل نپردازند و یا بعد از مدتی تحصیل را رها کنند. در این روستا نیز نیاز مبرمی

دهقانان کم زمین و بی زمین! به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود، با تشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد سوز جهاد سازندگی،

رسمی کردن کارگران روز مزد و بیمانی شهرداری یک گام است...

همه کارگران و زحمتکشان باید زیر پوشش کامل قوانین کار و در پناه حمایت تأمین اجتماعی قرار گیرند!

* قانون کار برای کارگران وقتی ارزش خواهد داشت که زندگی آنان را از هر جهت شایسته یک انسان آزاد کند.

شهرداری تهران، روزیکشنبه ۵/۲۲/۵۹، در اجتماع کارگران شهرداری تهران که در محل استادیوم کارگران خونه برگزار شد، اعلام کرد، کلیه کارگران روز مزد و بیمانی شهرداری ها رسمی خواهند شد.

این تصمیم، بجای خود، ضروری، درست و عملی است. متأسفانه در گذشته و نیز در تمام مدتی که از پیروزی انقلاب می گذرد، هر چند از رعایت حقوق انسانی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان، سخن بسیار گفته اند، اما از اقدامات عملی در جهت بهبود زندگی توده های میلیونی کارگران چندان نمونه چشم گیری سراغ نداشته و ندارند.

مادر اخبار، گزارشها و مطالب کارگری نامه مردم، بارها به مسائل کارگران و بویژه مشکلات حیاتی و حقوق بدیهی آنان، که بطور درستی در کتب فراموشی پنهان و پوشیده مانده است، اشاره کرده اند.

حقیقت این است که ستم طبقاتی در مورد کارگران روز مزد، بیمانی و غیر رسمی، تا بلوی خوفناکی از استعمار، وحشگری و هر جملی سرمایه داری غارتگر را به نمایش می گذارد که در راهکارهای دیگر این نظام ورشکسته و مفلس، کمتر نظیر دارد.

کارگران غیر رسمی، «قاجاقی» زندگی آنها را نشان می دهد. لطف «خاص» و «ترجم» کارفرمایانی قرار می گیرند که چند صباحی ازس «بزرگواری» لقمه های نان بپوشانند و در مقابل کارگران بهر جان کنده امروز را به فردا پیوند زندان نظر عسرف معمول کارفرمایان، کارگران بیمانی نباید می رض شوند. کوچکترین ناخوشی به معنای تخلف ناخوشدنی از این عرف پستیده (۱) کارفرمایان است و مجازاتی سهمگین دارد.

کارگران اجتماعی بهر پناه ندارند. زمین تنگ و آسمان لحاف و حصار زمین چهار دیواری مناسبی است! مسکن به مفهوم حق یک شهروند صاحب حقوق جامعه، شوخی تلخی است که لایبای دیگر تلخی های جانگزی زندگی جای می گیرد و کم می شود.

زندگی روزمزد در مرز باز نشستی پایان می رسد. زندگی آن سوی کلمه زندگی توأم با ستراحت ایام پیری، اما بر خوردن از تأمین نسبی، رویای دست نیافتنی است.

در یک کلام زندگی هوبی هسته است. رشته نازکی است که باووش یک نسیم مخالف، پریشان می شود و از هم می گسند!

اما آنچه که در لحظه مطرح است گریختگی فرزندان و غریانی روزهاست که در حال باید با اندک دستمزد بنوعی بر طرف



خانه ای در محله شیخ رضا

دیداری از محله شیخ رضای اصفهان:

«شیخ رضا» غیر از «ندارم» چیزی ندارد...

□ در این محله بیماری، بیکاری، فاضلاب و... فراوان است.

محله شیخ رضا گوشه ای از نامنوازه زنییه است که در پانزده کیلومتری شمال شرقی اصفهان واقع شده است. بیشتر ساکنان این محله روستائیان هستند که پس از اصلاحات ارضی شاهانه (۱) برای تکمیل معاش از روستاهای اطراف اصفهان به شهر کتیبه شده و به شکل نامنظم در «نامنوازه زنییه» اسکان یافته اند. در محله شیخ رضا دو دسته خانه (۲) بنامه سمدتری هم بنا شده اند. در هر دسته از این خانه ها بالغ بر چهل خانوار زندگی میکنند. خانه ها اغلب نیمه کاره اند. نمای خارجی آنها بهتر از درونشان است. از هفتده سال قبل تا به امروز روستائیان دسته دسته آمده اند و زمینهای این محله را با قیمت ارزان خریدارند و آلونک های برای خود ساخته اند. البته هیچ از این بیعت نیست. در شرایطی که قیمت زمین های مسکونی پلرز

چین و چروک «سورتش فریاد» می کشد بی آنکه خود را بزنی کند، بایبختی ملتر آیین پاشخ میدهند: - کبوره کسی کبوره دارد که چیزی داشته باشد. ماهی چیز نداریم. حتی مغزای نیست که از آن مایحتاج اولیه را بخریم. دکان قصابی که جای خود دارد، اگر هم بود کسی نمی توانست گوشت بخرد. مردم این محله سالیانه که طعم گوشت را فراموش کرده اند، برای خرید نان مجبوریم که به نامنوازه یا ایستگاه شریار برویم. راه دور است. یک فروشگاه دولتی میتواند خیلی از نیازهای ما را برآورده کند. از امکانات محلی می پرسیم. امکاناتی مثل درمانگاه، مدرسه، حمام و...

آب لوله کشی میخواهیم...

نداریم. از جاه آب بر میداریم. خودمان به این آب عادت کرده ایم. ولی شما یاهرکس دیگر که اهل محله مانیست حتی یک استکان جای نمی تواند بخرود. آب جاه بوی گند میدهد. پر از میکرب و بیماری است. رنگ و روی زرد

مردم محله میگویند: حمام خیلی نزدیک است. تا اینجا فقط شش کیلومتر فاصله دارد. از درمانگاه و مدرسه هم فرسیده. خودتان نگاه کنید اگر دیدید که چنین جاهایی است ما را هم خبر کنید. ماحتی آب لوله کشی

بهداشت، پزشک

می کنید؟ زن جوان میگوید: نه دکتری هست و نه درمانگاه. در عوض تالان خواهد میس داریم. برای ما لوله کشی و تعمیرات ضروری است. آب لوله کشی و تعمیرات ضروری است. آب لوله کشی و تعمیرات ضروری است.

در محله شیخ رضا از بهداشت خبری نیست. نه تنها درمانگاه دره گوشه این محله کسرو پشه بیاد میکند. مردم محله شیخ رضا اغلب با بیماریهای مختلف ناشی از کثیفی محیط زیست دست بگریزانند. مریسم: اگر بیمار شدی چه

هشت کیلومتر تا مدرسه

درد دلها همان درد دل های همیشه است: کار می خواهیم، نان می خواهیم، مسکن می خواهیم، حمام می خواهیم، درمانگاه می خواهیم، مدرسه می خواهیم، راه می خواهیم... حق همه آنجاست که بخوانند و وظیفه همه که در آمان همه چیز» بکشوند. فعالیت کنند، نیروهای خود را بسنج کنند، در راه

از وضع مدرسه بچه های می پرسیم، می گویند: بچه هایمان برای مدرسه باید سوار ماشین شوند و به فلکه طوقچی بروند. بچه های دبستانی وضعشان بهتر است. البته این محله با وجود کثرت جمعیت مدرسه ندارد. ولی بچه ها تا حدود اوتیان فرودگاه را می توانند پیاده بروند. دو سه کیلومتر بیشتر نیست.

اخراج ۲۳ نفر از کارگران جنرال مکانیک شیراز

جنرال مکانیک (واقع در جاده حسین آباد) شرکت فرانسوی وابسته به صنایع الکترونیک در جلوی استانداری شیراز اجتماع کردند و خواستار رسیدگی به خواست های خود شدند. یکی از کارگران اظهار داشت: «قبلا وسیله رفت و آمد داشتیم ولی رئیس کارخانه سرویس را برداشته است. ما نسبت به این عمل رئیس کارخانه اعتراض کردیم. ولی از سرویس خبری نشد. اعتراض مجدد ما منجر به اخراج بیست و سه نفر شد.» یکی دیگر از کارگران می گفت:

«کارخانه ما ظرفیت شصت نفر کارگر را دارد، ولی در حال حاضر فقط دویست و شصت نفر در آن کار میکنند. چند بار از رئیس خواستیم که به خواست های صنفی ما توجه کند ولی هر بار کارشکنی کرده است. او حتی یکبار بنا گفت: شما انقلاب کردید، خودتان بروید حقتان را بگیرید. بروید در استانداری تصحیح کنید و دستمال گدائی تان را آنجا بین کنید. حالا هم که برای شکایت میرویم مسئولین دنبال کار ما را نمی گیرند. اینها اصلا متخلف انقلاب هستند و اگر نه حالا با این موقعیت حساس نباید بیخار اینکه کارگران احتیاق

چند پیش عدما از کارگران جنرال مکانیک (واقع در جاده حسین آباد) شرکت فرانسوی وابسته به صنایع الکترونیک در جلوی استانداری شیراز اجتماع کردند و خواستار رسیدگی به خواست های خود شدند. یکی از کارگران اظهار داشت: «قبلا وسیله رفت و آمد داشتیم ولی رئیس کارخانه سرویس را برداشته است. ما نسبت به این عمل رئیس کارخانه اعتراض کردیم. ولی از سرویس خبری نشد. اعتراض مجدد ما منجر به اخراج بیست و سه نفر شد.» یکی دیگر از کارگران می گفت:

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

استاد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در نامه مردم از کارگران مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل کثیر کتب و به توده های مردم بوسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبهم انقلابی است.

گذری به روستا:

بقیه از صفحه ۹ را از بین می برد. مسائل بهداشتی آموزشی و رفاهی روستا در این روستا حمام (دوش) وجود دارد که روستائیان با کمک دولت آنرا ساخته اند. یک خانه بهداشت در این روستا وجود دارد ولی حالا بهیار روستا ترک کرده و در حال حاضر خانه بهداشت تعطیل است. دهقانی در این باره می گوید: ما یک نفر یک قرص پنا بدهد قادرمان تسکین یابد تا آخر عمرمان دعا گویش می شویم. روستای تنگ خیاره، فقط یک دیستان دارد که تا کارس پنجم

مسئولین به نامه مردم پاسخ می دهند

مسئولین اداره کار و امور اجتماعی استان اصفهان، با ارسال نامه ای که طی آن از جمله به نظریه مدیر عامل شرکت ریستندگی و بافندگی شهزاد اصفهان استناد شده، مطلب بندد در نامه مردم (شماره ۱۸۹ مورخ ۵۹/۳/۲۰) را دعاری از حقیقت، دانسته و اظهار داشته اند که حقوق کلیه کارکنان همواره به موقع پرداخت شده است. مسئولین اداره کار و امور اجتماعی استان اصفهان، با ارسال نامه ای که طی آن از جمله به نظریه مدیر عامل شرکت ریستندگی و بافندگی شهزاد اصفهان استناد شده، مطلب بندد در نامه مردم (شماره ۱۸۹ مورخ ۵۹/۳/۲۰) را دعاری از حقیقت، دانسته و اظهار داشته اند که حقوق کلیه کارکنان همواره به موقع پرداخت شده است.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

استاد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در نامه مردم از کارگران مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل کثیر کتب و به توده های مردم بوسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبهم انقلابی است.



تحریکات چین علیه ویتنام و لائوس شدت می یابد.

در هائوی اعلام شد مائوئیست‌های حاکم بر یکن تحریرات مرزی در مرز چین و ویتنام را نام میزنند. بنا به گزارش مقام‌های ویتنامی، چین در هفته‌های اخیر سه لشکر دیگر در مرز با ویتنام مستقر کرده و قصد دارد حالت تشنج را حفظ و گسترش دهد. اوضاع کنونی در مرز شبیه به اوضاع قبل از حمله سال گذشته چین به ویتنام است.

اعتراف جلالدان دارودسته «پول پوت - ینگساری»

خیوسامان، یکی از سردستانان برجسته رژیم خون‌آشام سرنگون‌شده کامبوجیا، رژیمی که برای اجرای اندیشه‌های داهیانه و ابرمائوئیستی (۱)، سه میلیون تن از مردم کامبوجیا را پیکار و خون کشید، بالاخره در یک مساجبه با تلویزیون فرانسه تا حدودی به جنایات رژیم اعتراف کرد. خیوسامان که هنوز از طرف دارودسته حاکم بر چین و همچنین از جانب آمریکا به لقب رئیس-جمهوری کامبوجیا (۱)، مفتخر است در این مساجبه گفت دافراط‌کاریهای انقلابی (۱) بسیاری در کامبوجیا صورت گرفته بود. خیوسامان تلویحاً به جنایاتی که علیه شهروندان و بسیاری از روستائیان صورت گرفته اعتراف می‌کند و می‌گوید دپایند بگویم انتقاججویی چشمگیر بود. از شهر-نشینان انتقام گرفته می‌شد همچنین شهر-نشینان (۱) از روستائیان انتقام می‌گرفتند، خیوسامان با این همه باز هم از رو نمی‌زد و در پاسخ این پرسش که دافراط‌کاریها (بخوان جنایت) علیه مردم کامبوجیا چرا صورت گرفته و آیا این دافراط‌کاریها کار پولپوت-ینگساری بوده است یا نه می‌گوید پولپوت-ینگساری مانند دیگر اعضای رژیم وطن‌پرست و انسان‌دوست (۱) بود، و می‌افزاید «مردم کامبوجیا میدانند ما ناشیانهات (درواقع جنایات) زیادی مرتکب شدیم اما ما را دوست دارند (۱)»

این سخنان بر اندازه به سخنان شاه مخلوع و سوموزا شباهت دارد که همواره از محبوبیت در میان مردم دم می‌زدند. حملات تروریستی پولپوت-ینگساری به کامبوجیا که از خاک تایلند و با حمایت آمریکا و چین صورت می‌گیرد و هدف آن نابودی مدارس، مزارع و تاسیسات صنعتی و کشاورزی است نشان میدهد این دارودسته تا چه حد به مردم کامبوجیا علاقمند هستند و تا چه اندازه مین‌پرست (۱) هستند.

مذاکرات نخست وزیران بلغارستان و لهستان

مذاکرات نخست وزیران بلغارستان و لهستان در ورشو ادامه دارد. دو طرف در مذاکرات روابط دوجانبه دو کشور و مسائل جهانی را مورد بحث قرار میدهند. نخست‌وزیران لهستان و بلغارستان خواستار کاهش تنش‌ها جهانی شده و از ابتکار صلح‌آمیز پیمان ورشو و پیشنهاد اتحاد شوروی-چین در جهت تسلیحاتی حمایت کردند. نخست‌وزیران لهستان و بلغارستان تأکید کردند تصمیم پیمان‌نظامی‌ها برای استقرار موشکهای برد متوسط جدید در اروپای غربی گامی خطرناک در جهت افزایش تنش در اروپا است.

نگرانی هند از برنامه‌های نظامی آمریکا در منطقه

بانو ایندیرا گاندی نخست‌وزیر هند گفت حضور نیروهای محدود اتحاد شوروی در افغانستان را نمی‌توان بطور منفرد و مجزا از افزایش تلاش‌های نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس مورد توجه قرار داد. بانو ایندیرا گاندی تلاش‌های آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس را خطری جدی خواند و در عین حال نگرانی خود را از نظامی‌شدن پاکستان اعلام کرد.

شکست توطئه‌های امپریالیسم آمریکا

امپریالیسم آمریکا که به شکستی فزاینده در توطئه‌های خود بر ضد الملیک منکو روپرو شده و از سوی دیگر دسایس ننگین خویش را در افغانستان در آستانه شکست کامل می‌بیند، در آستانه گشایش بازیهای الملیک منکو زوزه‌های خود را افزایش داده است، زوزه‌هایی که آگار یاس و ناامیدی از وری آنها بخوبی پیدا است. نمونه این زوزه‌ها گزارش‌های سراپا دروغ و بیشرمانه‌ای است که خبر-گزارانهای امپریالیستی، این بلندگوهای رسوای دروغ و تحریف در باره باصلاح «بهاران روستاهای افغانستان» پخش میکنند. این خبر‌گزاران برای آنکه بخیال خود مسئولیت خیر را از خود سلب کنند به منابع مجهول مانند «گازان در دهلی» و «منابع دیپلماتیک در پشاور» و «مسافران در کراچی» (۱) استناد میکنند و مینویسند که گویا در دو هفته گذشته روستاهای اطراف کابل بمباران شده و هزاران نفر آواره شده‌اند (۱).

شکست در تحریم الملیک منکو و شکست در فریب خلق‌های منطقه در مورد باصلاح «تهدیدشوروی»، آقایان امپریالیست‌های آمریکائی را بدجوری «پکر» کرده است. حضور بیش از ۸۵ کشور جهان در الملیک منکو نشان میدهد کلاه «قدرت» آمریکا که برای تحریم بازیهای از همه توان اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی خود بهره گرفته بود پشم‌های خود را از دست میدهد آقایان تا بدانجا ناراحت شده‌اند که بی‌پایه‌ترین دروغها را جعل میکنند. حتی یک کلمه از گزارش خبر‌گزارانهای امپریالیستی و صهیونیستی در این باره درست نیست. ولی متأسفانه باز برخی جرایم، از دردمد این خبر‌گزارانها که روسیه‌های کاری‌خبرسازی، تبلیغات و جنگ‌روانی هستند استفاده‌اند.

مبارزه خلق گواتمالا گسترش می‌یابد

جنایات رژیم دست‌نشانده گواتمالا و دسته‌های تروریستی فاشیستی در این کشور ادامه دارد. در دانشگاه گواتمالا ۳۵ دانشجو بوسیله تروریست‌ها قتل رسیدند. از آغاز سال جاری صدها تن از مردم گواتمالا بوسیله سربازان رژیم جنایتکار این کشور که تنها با کمک آمریکا قدرت را حفظ کرده‌اند و همچنین گروه‌های تروریستی دست‌راستی قتل رسیده‌اند. این گروه‌ها نیز از سوی امپریالیسم آمریکا تقویت می‌شوند. چند روز پیش یک استاد دانشگاه نیز که بخاطر داشتن عقاید مترقی سربت‌داشت بوسیله تروریست‌ها قتل رسید. افزایش جنایات در گواتمالا نشان‌دهنده گسترش مبارزه خلق است.

ادامه تحریرات تایلند علیه کامبوجیا

در پی شکست توطئه خائنانه رژیم تایلند علیه کامبوجیا که با همکاری آمریکا و چین طرح‌ریزی شده بود رژیم تایلند کامران جنایتکار در مرز کامبوجیا آذابه می‌دهد. به گزارش رادیوی پنومپن، نیروهای مسلح تایلند از همت تا دم زوئی، بارها به ایالت مرزی کامبوجیا را زیر آتش گرفتند. بنا به همین گزارش بر اثر حملات تویخانه تایلند، عده‌ای غیرنظامی در نواحی مرزی کامبوجیا کشته و مجروح شدند و دولت تایلند همچنین تاکنون پیشنهاد کامبوجیا را برای آغاز مذاکرات ندادیده گرفته است.

حزب کمونیست پر تغال خواهان اتحاد نیروهای خلقی در برانداختن حکومت دست‌راستی این کشور شد

آلوارو کونیا، دبیر کل حزب کمونیست پر تغال اعلام کرد باید خلق را برای استغفای دولت دست‌راستی ساکونیر که تصمیم گرفته است تمام ثمرات انقلاب را بپا دهد بسج کرد. کونیا تأکید کرد باید نیرو-های دموکراتیک در انتخابات آینده مشترکاً در جهت شکست دولت دست‌راستی تلاش کنند. کونیا گفت هیچ حزبی به تنهایی نمی‌تواند در انتخابات آینده پیروز شود و بنابراین کمونیست‌ها پیشنهاد میکنند نیرو-های دموکراتیک به تقاضی متقابل و همکاری دست یابند تا بتوانند نیروهای دست‌راستی را شکست دهند.

افزایش نیروهای نظامی چین در مرز هند

چین سرعت تدارکات نظامی در مرز هند را افزایش میدهد. روزنامه «هندو» چاپ دهلی نو نوشت دوست هزار سرباز چینی در نزدیک مرز هند مستقر شده‌اند. نوشته این روزنامه نیروهای چینی در سین کینگ می‌توانند با استفاده از جاده استراتژیک که در امتداد چین است وارد خاک هند شوند. لازم به توضیح است که چین هزاران کیلومتر مربع از خاک هند را در جریان تجاوز سال ۱۹۶۲ اشغال کرده و این نواحی را کامران در اشغال خود دارد.

مرکز جاسوسی اسرائیل در تهران کشف شد

● در این مرکز که در یک مدرسه سیه‌سین الملی که زیر نظر واتیکان اداره میشود قرار دارد، نقشه‌لانه جاسوسی آمریکا که در آن موقعیت قرار گرفتن پاسداران مشخص شده بود بدست آمد.

بر اساس گزارش‌های رسیده های آمریکائی مراسم مذهبی بجا در مجتمع آه‌وزی اندیشه که آورد (۱). از جمله مدارکی که در وابسته به بنیاد دن‌یسکو است این مدرسه کشف شده نایه‌های و یکی از ۴ هزار مدرسه است که این کشفیات این مدرسه و اسرائیل می‌باشد شده خانه‌های واتیکان اداره میشود، است. عده‌ای از معلمان مدرسه مدارکی در مورد روابط مسئولین این مدرسه با اسرائیل و رژیم گفشته ایران کشف شده است. زبانی از آنها مضمی است. در نتیجه بسیاری از مدارک موجود در این مدرسه توسط دختران جوانی که در لباسهای زیر خود جاسازی کرده بودند از دلهای مخفی خارج شده است. در حال حاضر اسقف کابوچی به نمایندگی از جانب واتیکان برای رسیدگی به این موضوع به ایران آمده است. او همراه آید-مدرسه کشف شده بود. شریف قائم‌مقام سپاه پاسداران از این مدرسه بازدید کرد. یکی از مسئولین این مدرسه که فعلاً در سفارت واتیکان است مسئول امر که باید حافظ «التردیوکیونی» نام دارد که در امنیت جمهوری اسلامی ایران در مراسم کریسمس گذشته در لانه جاسوسی آمریکا برای جاسوس-روشن!

دروغ بر کارگران پالایشگاه آبادان، مدافعان راستین انقلاب

با پایان گرفتن ۹ هفته کار و کوشش شبانه‌روزی حدود ۱۲۰۰ تن از کارکنان پالایشگاه آبادان در دهنوت ۱۲ ساعته، کار تعمیرات کلی دستگاه عظیم کت‌کراک با موفقیت کامل انجام و دستگاه مزبور در راس موعده مقرر از روز ۲۳ شهریور ۱۳۵۹ راه‌آباد بهره‌برداری مجدد شد. برنامه تعمیرات کلی دستگاه کت‌کراک، هر سه سال یکبار زیر نظر گروه تعمیرات پالایشگاه آبادان انجام میگردد. خوراک این دستگاه نفت کوره است که ۴۰ درصد پازده سایر دستگاههای تقطیر پالایشگاه را تشکیل میدهد. از آنجا که ذخیره‌سازی حجم زیاد نفت کوره همیشه مشکل اساسی پالایشگاه بوده است، راه‌اندازی دستگاه کت‌کراک که روزانه قادر خواهد بود حدود ۳۸۰۰۰ بشکه نفت کوره را به‌بترین هوال-پیما، بترین اتومبیل، گازوئیل سبک و سنگین و کاربن مورد نیاز کارخانجات لاستیک‌سازی داخلی را تأمین کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در رابطه با جو تحریکات و کم‌کاریها در بیشتر بخش‌های صنعتی کشور و تحریم اقتصادی امپریالیسم در ارسال وسایل مورد نیاز، بیم آن میرفت که در برنامه تعمیرات دستگاه کت‌کراک اختلالی بوجود آید، ولی کارگران زحمتکش و کارمندان وظیفه-شناس پالایشگاه با بیان رساندن کار تعمیرات این واحد عظیم و راه‌اندازی آن نشان دادند که در درک عمیق توطئه‌ها، تا چه حد نسبت به هدفهای انقلاب و حفظ دستاوردهای آن خود را موظف و مسئول میدانند. شایان ذکر است که در چندین مورد، بخاطر تحریم اقتصادی امپریالیسم، وسایل مورد نیاز دستگاه در اختیار نبود و با همکاری بخشهای مختلف پالایشگاه مانند کارگاه مرکزی و قسمت ابزارهای دقیق، وسایل مورد نظر تعمیر، تهیه و مورد استفاده قرار گرفت.

ما ضمن تبریک به کلیه کارگران و کارمندان قسمت تعمیرات پالایشگاه و سایر بخش‌ها برای همه این مدافعان راستین انقلاب، آرزوی موفقیت می‌کنیم.

که در همه‌جا از ایجاد تشنج جلوگیری میکنند. به روش‌های تشنج-آفرین میدان تمیهدند.

انقلاب ایران با توطئه‌های مکرر و مداوم امپریالیسم روس-پروست، ما روزی توسط که از این توطئه‌های آسوده باشیم. همین چندروز پیش توطئه بزرگ امپریالیسم که کنوربا کشید شد و هم‌اکنون توطئه بزرگتری در کار تدارک است. کدام سازمان و یا فرد مسئول و علاقمند به پیروزی انقلاب ایران می‌تواند در چنین لحظه‌های بحرانی کوشش برای جمع‌آوری حداکثر نیروهای ضعیف-پالستی راه تفرقه و تشنج را پیش بگیرد مگر اینکه قصد شمرق کردن مبارزه و انتقال مردم را داشته باشد.

همه میدانند که کودتاهای خائنانه بزرگترین دشمنان ما با حزب توده ایران دارند. آنها میدانند که این حزب به کار تحکیم مواضع انقلاب و جمهوری اسلامی با تمام تیر کک می‌کند و لذا میکوشند که آنرا زیر ضرب قرار دهند.

حملات گروههای مشکوک و وابسته به ساراک در شهرستانها به دفاتر و کتابفروشیهای حزب، تنها در این چارچوب قابل درک است.

آنچه باعث تاسف میشود حملات این گروه‌ها نیست، حوادثی از نوع حوادث اسفهان است که نه از طرف افراد ناشناس بلکه از طرف محافل که منافع انقلاب ایراند و باید در این کار بیکی باشند ایجاد میشود. تاسف از آنست که فرمانده سپاه پاسداران اسفهان از اقدامات ضد حزب توده ایران حمایت کند و حرمت قانون اساسی را نگاه ندارد. سپاه پاسداران اسفهان در دوران پس از انقلاب ششاه خدمات بزرگی داده و از مسئولین این سپاه بیش از هر کس دیگری انتظار میرود که حمایت موقر را درک کنند، منافع انقلاب را برتر از اختلافات کوچک محلی، حسابهای فری و احساسات زودگذر بدانند و توجه داشته باشند که امپریالیسم آمریکا - این شیطان بزرگ - در دروازه شش ایستاده است. باید علیه آن متحد شد. حمله به حزب توده ایران، ایجاد جو تشنج و عدم اعتماد بسود امپریالیسم است.

بویژه مسئولین سپاه پاسداران باید مراقب رفتار و گفتار خود باشند چرا که حمایت از انقلاب و قانون اساسی قبل از همه بدمه آنهاست.

ناجست تحریک کرده است و عبارات دیگر معلوم میشود که می-توان مردم را با اخبار نادرست تحریک کرد!

آنچه بیش از همه باعث تاسف میشود اینست که حملات به سازمانهای حزب توده ایران در شهرستانها زیر پوشش اسلام-انجام میشود. حتی کسانیکه صندوق دفتر گرسار را هم بلند کرده‌اند معینند که سلمانند و تاسف‌آورد از آن‌ها اینکه اشغال-کنندگان دفتر حزب در اسفهان خود را رسماً بیرو خط امام معرفی می‌کنند و رئیس سپاه پاسداران اسفهان سخنان اخیر امام را در باره مسائل ایران و راجع به روشنگرانه اینطور فهمیده است که باید به کابرفروشیها و دفتر احزاب حمله کرد.

ما خرسندیم که حزب جمهوری اسلامی ایران در اسفهان این اقدام را محکوم کرده و از چنین برداشتی از سخنان امام‌فصله گرفته است. ما وجود اظهارات راجع این خصیصه در پیام نیمه-شعبان که به همه مردم و همه سازمانهای انقلاب هشدار داده‌اند، آنها را از ایجاد تشنج برحذر داشتند. روشی که عده‌ای زیر پوشش اسلام و با بدتر از آن صریحاً زیر پوشش نام امام برای ایجاد تشنج پیش گرفته‌اند غیر قابل توجیه است. امام در پیام نیمه‌شعبان می‌گویند:

«ما دشمن داریم، دشمن دنبال اینست که تشنج پیدا شود. باید از این تشنج‌ها جلوگیری شود...»

ما احتیاج به آرایش داریم اگر بخواهیم این نهضت یروژ شود باید ما آرایش این مملکت را حفظ کنیم.

امام حتی دوبره منصرفین می‌گویند:

«باید اشخاص منحرف را ارشاد کرد. اگر ارشاد نشدند، متروک کرد، بی‌اعتنایی به آنها کرد»

بفرض که عده‌ای این حق را بخود بدهند که بوکالت از طرف دیگر خود را مردم، چنانند و یا جوانان بیرو خط امام معرفی کنند و بفرض که حزب ما را بنا به تشخیص فری خود و علی‌رغم تمام واقعیتها «منحرف» بشناسند، آیا از دیوار بالاترند و از پشت قام به منازل مردم رفتن ارشاد است؟

حزب توده ایران حزبی است مسئول. حزبی است صادق به انقلاب ایران چنانکه در تمام دوران انقلاب و پس از آن نشان داده منافع انقلاب را برتر از هر چیزی میدانند و بر این اساس است

حمله به دفاتر حزب توده ایران...

پتیه از صفحه ۱

سخنگوی حزب جمهوری اسلامی گفت: «ما اینگونه حملات را صریحاً در جهت نقض قانون اساسی میدانیم». مراجع دولتی در اسفهان معمولاً رو پنهان می‌کنند و حاضر نیستند در قبال این عمل ضد قانون اساسی صریحاً موضع گیری کنند. اما برخی از مقامات استنادی بر قاعده ای گفته‌اند که از این وضع متأسفند متنباً باید در راهی پیدا کنند.

چگونه است که مقامات مسئول مملکتی نمیتوانند جلو اعمال خلاف قانون را بگیرند؟ وجه دلیل باید غیراربابی عادی و رسمی قانونی دنبال راهی بگیرند؟

ظاهراً علت این امر را باید در روش فرمانده سپاه پاسداران اسفهان جستجو کرد که به متأسفانه از اقدام غیرقانونی جوانان غیرمسئول حمایت کرده و به غیرتکار روزنامه حرکت گفته است.

همین سخنان اخیر امام بیرامون مسائل ایران و راجع به روشنگرانه و همچنین با کشف توطئه کودتا... سران جبهه ملی و حزب توده دستگیر شده‌اند. طبیعی است که جو انقلابی ایجاد می‌کند که احساسات مردم تحریک‌شود و یک حرکت مردمی بوجود آید.

... در اسفهان مردم! حمله کردند و این ناشی از هویشیاری مردم است.

از فرمانده پاسداران پرسیده شد:

«آیا اگر تکلیف این سازمانها از طریق باستانی کل انقلاب تعیین شود و زیر این طریق حاکمیت قانون تثبیت شود و بر اساس قانون اساسی عمل شود بهتر نیست؟ پاسخ داد: این مسئله صحیح است ولی هنوز قانون اساسی به آن شکلی که باید عهده‌دار مسائل مملکتی باشد نشده و بدلیل اینکه هنوز شورای انقلاب است. فرمانده پاسداران اسفهان اضافه کرده است که در یکسال و چند ماه گذشته حرکت‌های مردمی بود که در قانون

فرهادها

فرهاد رفت و قصه شیرین او بماند؛
با یاد تیشه‌ها که دل بیستون شکافت
با یاد تیشه‌ای که سر کوهکن شکست
با نام خسروی که به نامر دمی ربود
عشق ربیبی ز رعایای خویشتن
با آن شگفت‌ها که نظامی سروده بود...

اکنون منم
پیکر تراش پیکر فرهادهای روز
اکنون منم نگارگر تیشه‌ها و تاج
دستانسرای شعله بر اورنگ آبنوس.

از پیش چشم من صف فرهادها، روز
پرچم بگف گرفته سوی راه میروند
عشاق تلخکام، شهیدان بیستون
با تیشه‌ها به بارگه شاه میروند

۲۷ فروردین ۱۳۳۲ سیلوش کسرالی

اطلاعیه سپاه پاسداران مراغه در رابطه با اوضاع این شهر

سیاه پاسداران مراغه در ارتباط با جو حاکم بر این شهر و اخراج چند پاسدار از سپاه، بیانیه‌ای خطاب به مردم صادر کرد. در این بیانیه از جمله آمده است: «... وقایع اخیر شهر درگیری‌های پنهان خلی ساد، دستگیری بی‌دلیل افراد بیگناه و نیز حاکم کردن جو خفقان و اختناق از سوی مقامات غیرمسئول که در حقیقت مخالفت علنی با دستور صریح قرآن و فرمان روشن امام است و نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد. مسائلی هستند که بظاهر کوچک و بی‌اهمیت تلقی می‌شوند ولی در اصل تحولاتی هستند که به دست عناصری ناآگاه عاقدانه یا فیرعاقدانه در مسیر انقلاب بزرگ ما ایجاد می‌شود.»

در قسمت دیگری از این اطلاعیه ضمن اشاره به دستگیری چندین از افراد سپاه به توطئه‌هایی که اخیراً بر علیه سپاه پاسداران، این نهاد انقلابی صورت می‌گیرد، آمده است که: «... دستگیری فرزندان پاسدار شام، تبلیغات سوء بر علیه سپاه پاسداران و نیز تحریف معرفی کردن این فرزندان راستین توطئه‌هایی هستند همانند توطئه‌هایی که رژیم مغرور شاه برای فرزندان پاکبخت شما می‌چید و آنان را منحرف و کمونیست معرفی می‌کرد. حال آیا این مسئله، این سوال را در اندام ایجاد نمی‌کند که این افراد غیرمسئول یا همگی ناآگاهانه در جهت شاه قدم می‌دارند و یا عناصری از ایادی شاه و بازماندگان رژیم طاغوتی در این کار کماکان غیرمسئول رخنه کرده‌اند که از ناآگاهی بقیه در جهت منافع خود و در جهت جلوگیری از تثبیت جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند.»

در قسمت دیگری از این اطلاعیه آمده است: «با در اینجا هیچ اشاره‌ای به عملکردهای ناگوار و کمبخت‌ها نمی‌کیم. از حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم دادگاه، باز فودالها و از سستی‌های آن در امور دهقانان و یا سابقه کاری کینه‌ها، هیچ نمی‌گوئیم. زیرا گفتن این مسائل تکرار مکرراتی بیش نیست، چه همه شما ملت عزیز بیشتر از ما از جریانات روز که در این شهر میگذرد، با خبرید ولی این دیگر دور از انصاف است که به توطئه‌ها و کلاه‌ها و کینه‌ها و بوسیده‌های افرادی ضدانقلاب و فرصتطلب، ما پاسداران جان‌بکف که شب و روز به فرمان امام و برای سرکوبی ضدانقلاب سینه را سپر گلوله‌های سیرخ دشمن کرده‌ایم، افرادی ضدانقلاب معرفی شویم.»

در پایان اطلاعیه مزبور، سپاه پاسداران از مردم خواسته است که «دشمنان این صحنه نباشند، از ارکانها حساب‌خواهی‌کنند و خود همانند دوران انقلاب بریشه‌های فساد را بپزند، مشوق چهره‌های انقلابی باشند.»

گوانی سوسام آور در بندر انزلی

بندر انزلی شهرستانی که از نظر آب و هوا یکی از خوش آب و هواترین مناطق کشور است و از نظر توریستی بسیار مورد توجه علاقمندان است، اخیراً با گوانی سوسام آور مواد مورد نیاز مردم و وسایل زندگی به شکل حادی در برده شده است. این مسئله ناراضی شدید در میان مردم بوجود آورده است. ما از مقامات مسئول بار دیگر می‌طلبیم که به قیمت کالامان نظارت کامل کنند.

یادآوری

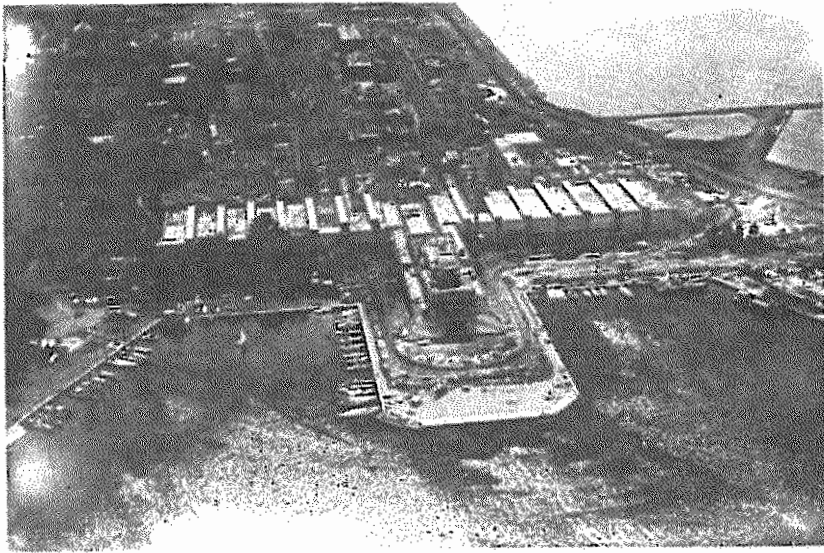
مقاله «الجزایر در مسیر انقلاب» که در شماره ۲۸۳ «نامه مردم» ۲۵ تیر ۱۳۵۹ چاپ شده، ترجمه و تلخیصی است از مقاله‌ای که در مجله «آفریکن کوانتس» ارگان حزب کمونیست آفریقای جنوبی درج گردیده است.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۸۹-۹۳۳۳۵۹
شماره تلکس:
214081 TPI IR
چاپ: کاپیان

MARDOM
No. 285
17 July 1980
Price:
West - Germany
0.80 DM.
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 380 L.
USA 20 Cts.
Sweden 1.50 S.



مجمع برگزاری ورزشهای آبی در اسپیت مسکو

۳ روز دیگر با افتتاح المپیک بیست و دوم: رقابت قهرمانان ۸۵ کشور جهان در مسکو آغاز می‌شود



□ ۵۰۰ هزار نفر از سراسر جهان برای تماشای المپیک به مسکو رفته‌اند.

□ مسابقات در ۲۱ رشته ورزشی و ۲۰۳ نوع ورزش برگزار خواهد شد.

امکانات رفاهی و تفریحی برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر بازیها با دقت هرچه تمام‌تر ایجاد شده است. در این دوره از بازیها ۲۵۰۰ داوطلب اتحاد شوروی و ۹۰۰ داوطلب خارجی مسابقات را داوری خواهند کرد. هفت هزار و چهارصد خبرنگار در مسکو و در سراسر اتحاد شوروی و در سراسر جهان برای پوشش این رویداد اعزام شده است. ۸۵۰ مهمان افتخاری، سه هزار نماینده کنفرانس و مجالس بین‌المللی ورزشی و حدود پانصد هزار جهانگرد از جمله ۳۰ هزار جهانگرد خارجی به همراه اهالی مسکو، شاهد این بازیها خواهند بود. بنا بر آمار کارشناسان حدود ۲/۵ تا ۲/۵ میلیارد نفر بازیهای المپیک را از طریق تلویزیون در سراسر جهان تماشا خواهند کرد.

همچنین برای اوقات بیکاری و استراحت تماشاگران ورزشکاران از طرف سازماندهندگان بازیها جشنواره‌ای از برنامه‌های هنری ترتیب داده شده است. در این جشنواره هر یک از ۱۵ جمهوری متحد شوروی و نمایندگان بسیاری از اقلیت‌های ملی شرکت می‌کنند. هنگام برگزاری بازیها، ۶ تانک موزیکال، ۵ ارکستر سمفونیک، ۹ کساکه‌بیک، ۱۵ ارکستر محلی، ۱۹ گروه رقص محلی، ۱۷ ارکستر سازهای ملی و بیش از ۴۰ دسته رقص و آواز ساعت‌ها بازی می‌کنند. در این ورزشکاران را پر خواهند کرد. در هنگام المپیک از نظر امنیتی و رفاهی تجهیز شده است. استادان و بازاریاران شده و بسیاری کاملاً تازه‌ساز هستند. پس‌دین ترتیب از هر نظر ورزشکاران و تماشاگران را بازیها در رفاه کامل خواهند بود و بیست و دومین دوره بازیها باشکوه هر چه تمام‌تر برگزار می‌شود.

تشکیل اجلاس کمیته بین‌المللی المپیک

روز دوشنبه اجلاس کمیته بین‌المللی المپیک با شرکت رهبران این کمیته و نمایندگان کمیته‌های المپیک در مسکو گشایش یافت. شرکت‌کنندگان در این اجلاس پس از بررسی تغییراتی که در مقررات کمیته بین‌المللی المپیک و همچنین در زمینه توسعه برنامه بازیهای آبیته شده است، انتخاب رئیس جدید کمیته بین‌المللی المپیک را مورد بحث قرار خواهند داد. خانم «مونیک بریون» مدیر کمیته بین‌المللی المپیک اطلاع داد که عده بسیاری از روزنامه‌نگاران در این اجلاس حضور خواهند داشت. مدیر بین‌المللی المپیک گفت: در مسکو شرایط بسیار عالی برای انجام مسابقات و فعالیت ورزشکاران کنفرانس‌های ورزشی فراهم شده است. وی همچنین به علت عدم شرکت ورزشکاران برخی از کشورها در این جشنواره ورزشی ابراز تاسف کرد.

رکورد ۴ در ۱۰۰ متر دوومیدانی زنان جهان شکسته شد

تیم ۴ در ۱۰۰ متر زنان جمهوری دمکراتیک آلمان در جریان یک دوره مسابقه داخلی در شهر «پوتسدام»، موفق به برابری رکورد تازه‌ای برای این رشته در دمکراتیک آلمان توسط «مارلین اولسن»، «ایکریک ارنولد»، «ماریتا کوخ» و «اشائید» دست آمده بود.

رکورد جدید برای پرتاب دیسک بانوان جهان

در جریان مسابقات قهرمانی دوومیدانی بلغارستان، «ماریا راکووا» در رشته پرتاب دیسک موفق به برابری رکورد جدیدی در این رشته برای جهان شد. وی دیسک را به مسافت ۷۱ متر و ۸۰ سانتیمتر پرتاب کرد و رکورد قبلی جهان را که به‌دولین اشتالووک، از جمهوری دمکراتیک آلمان تعلق داشت، ۳۰ سانتیمتر بهبود بخشید.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در نقده درباره تشدید فعالیت ضدانقلاب در نقده

سازمان حزب توده ایران دو نقده، به مناسبت فعالیت‌های گسترده ضد انقلاب، فئودالها و عوامل وابسته به رژیم سابق در نقده علیه دهقانان و برای ایجاد جو مشتعل در این ناحیه، اعلامیه‌ای صادر کرده است. در این اعلامیه از جمله آمده است:

دو محمداورد، مردم نقده را در برابر این سؤال قرار می‌دهد که کمیته من بود چه مجوزی دست به اقدام می‌زند که صرف نظر از نجات آن، در جهت منافع فئودالهاست؟ این قبیل کارهای کمیته امام نقده، سخنی از امام خمینی را بخاطر می‌آورد که گفت: من کمیته‌ای ندارم... ضد انقلاب در نقده بقصدی جدور شده است که بفکر انحلال سپاه پاسداران نقده و جهاد سازندگی نقده که از مهمترین نهادهای انقلابی بوده و دست فعالیت آنها بطور عمده در جهت انقلاب و منافع مستضعفین می‌باشد، می‌افتد. فئودالها و ضدانقلابیون در نقده، که خوب میدانند بدون ایجاد نفوذ و محیط تشنج و درگیری در منطقه هیچ کاری از آنها ساخته نیست. همواره در این جهت می‌کوشند. برای ایجاد درگیری، ضد انقلاب از یکسو بهانه‌ای برای درگیری فراهم می‌کند و از سوی دیگر با همکاری عوامل خود در میان مقامات مسئول نیز برخی روحانی-نمایان، از این بهانه برای برآمدن و ایجاد درگیری و تشنج استفاده می‌کند. دستگیری قلی نباروند روزهای اخیر راهم باید در همین رابطه بررسی کرد.

ماضن پشتیبانی قاطعانه و بیدریغ خود از تقسیم زمینهای فئودالها میان دهقانان بی‌زمین و کز زمین، از دهقانان منطقه، همبانه می‌خواهیم هشدار داده و مواظب باشید تا باست ضد انقلاب حواظ نظر فرست بوده و دنبال بهانه می‌کند، بهانه ندهند. از آنجا که مروج برداشت گندم فرا رسیده است از دهقانان می‌خواهیم هشدار دهیم مواظب توطئه‌های ضد انقلاب در آتش زدن احتمالی خرمینها و کشتزارها، باشند و اگر لازم باشد در این کار از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نیز، کمک بخواهیم. خوشبختانه شورای انقلاب چندین پیش قانون اصلاحات ارضی انقلابی را به تصویب رسانده و دهقانان در مبارزه علیه فئودالها حتماً می‌بایند از این قانون استفاده و از دولت درخواست نمایند آنرا در تمام سطوح و بدون کم و کاست به اجرا در آورند.

در پایان یکبار دیگر تاکید می‌کنیم که ضد انقلاب و فئودالها به هیچ طریقی کاری از پیش نخواهند برد، مگر اینکه بتوانند به هر اسم و طریقی که شده، جوی مشتعل بوجود آورند. حزب توده ایران سازمان نقده ۵۹/۴/۱۷

عوامل ضد انقلاب بدنیال بیرونی انقلاب، بعد از تحریکات فراوان و زمینه‌سازی برای ایجاد درگیری، سرانجام در اردیبهشت ۵۸ موفق شدند جنگ برادر کشی در نقده برآوردند. طبق اسناد ارائه شده توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اوسه در راهم انداختن این جنگ دست داشته است. تأثیرات این جنگ، از جمله باعث تأخیر در تقسیم زمینهای اردیبهشت در نقده، توسط دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین شد. ولی کم‌کم دهقانان برای گرفتن حق‌مشاهان به میدان مبارزه با فئودالهای منطقه قدم نهادند و در مدت چندماه، قسمت مهمی از مجموع زمینهای فئودالها را مصادره و کشت نمودند. فئودالها که در مقابل اقدام دهقانان، تنها چاره‌جویی را در ایجاد وحفظ تشنج در منطقه دیده‌ومی‌بینند، به طرق و بهانه‌های مختلف و زیر پوشش اسلام‌دست به توطئه و خراب کاری زده‌اند، با این رویای ضد انقلابی که شاید ایجاد تشنج و درگیری موجب فراموشی مسئله زمین شود و اگر با گسترش درگیری در سطح وسیع بتوانیم انقلاب و جمهوری اسلامی را مشروع کنیم، چه بهتر!.

حمله کومله به پاسکام میرآباد و زاندر امری نقده، کار گذاشتن مین در جاده‌ها و داخل شهر و این قبیل کارهای ضد انقلابی در تأمین این منظور باید فئودالها، کمک زیادی به آنها کرده و میکنند. در روزهای اخیر، توطئه فئودالها که از همکاری بعضی مقامات به اصطلاح حفظ امنیت نیز برخوردار دارند، بالا گرفته است. فئودالهای (نظیر دکتر بهمن‌خان خسروی و فرودخان و غیره) مسلح با کمک یاران ضد انقلابی که متأسفانه برخی از آنها جزو مقامات دولتی نقده نیز هستند، قصد دارند آنرا گل آلود کنند تا شاید بتوانند مایه بگیرند. آنها از بخش شایعات و تبلیغ نامحدود بودن مالکیت در اسلام نیز پوشش و همکاری برخی از روحانی‌نمایان که به قول امام در ش از ساراکی هستند، گرفته تا اقدام مسلحانه علیه دهقانان در برخی از روستاها و از جمله در گردان آباد و اخیراً در بخش محمدیاد، در جهت رسیدن به اهداف پلیدشان، انجام می‌دهند. تجاوز به زمینهای دهقانان در بخش محمدیاد توسط جمعی از افراد کمیته امام نقده، با این بهانه که این زمین به ادب آن تعلق دارد و این قبیل باطلها، و کنگ‌زدن یکی از اعضای شورای کشاورزی محمدیاد در تاریخ ۵۹/۴/۱۳ توسط افراد این کمیته و کمیته تابع آن

رفیق عباس عزیز پور را آزاد کنید

رسیده‌گی به این شکایت، در ساعت ۱/۵ شب ۲۳ تیرماه نمایندگان را بخانه مسکونی رفیق عباس عزیز پور یکی از اعضای حزب توده ایران فرستادند. این افراد پس از تفتیش خانه و ضبط روزنامه‌های نامه مردم و نشریات دیگر حزبی وی را به همراه طاهر عزیز پور دستگیر کردند و با خود بردند. ماضن اعتراض به این عمل کمفایر با اصول مسرحه در قانون اساسی است از مسئولین نظامی اردبیل می‌خواهیم که هر چه زودتر نسبت به آزادی رفقای ما اقدام کنند.

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم